



جنگ، معضل رژیم قربانگاه توده ها

جنگ ارتجاعی ایران و عراق به
رغم شدت پای بیش از پیش آن در هفته ها
اخیر، همچنان درین بست است. تشدید
و ادامه این جنگ ارتجاعی از سوی رژیم
جمهوری اسلامی، که برای شکستن بن بست
فوق وفاق آمدن بر بحران انقلابی
موجود صورت میگیرد. تا آنچنان شرایط
مناسبی را ایجاد نکند که بتواند رژیم
را از جنگ مجموعه تناقضات لاینحل جاری
رها ساخته، تا زمینه تشبیت موقعیت خود
را فراهم آورد. اما هر حرکت جدید در جهت
تشدید و یا ادا به جنگ بر شدت اوضاع و خامت
بار کنونی میافزاید، و رژیم را که اساساً
قادر به حل بحران اقتصادی - اجتماعی
جامعه نیست و ذاتاً عاجز از هرگونه اقدام
جدی و در جهت تعدیل بحران است، به
آنچنان دور باطلی میکشاند که جز
گسترش دامنه بحران، و ادامه وضع انفجار
آنیز کنونی که مالا تمامیت سیستم موجود
را به ورطه سقوط میکشاند، نتیجه دیگری
درمفحه ۲

ورشکستگی رژیم

و

ریاکاری استانداری کردستان

درمفحه ۵

« زنده باد همبستگی خلقها! »

بمناسبت هفتمین سالگرد

سرکوب خلق عرب

درمفحه ۶

اطلاعیه

بیرمون از سرگردی

جوانان عاری عادی

را اذیت

صدای فدائی

درمفحه ۳

کوه کومه له موش زائید! تا سهند آبستن چه باشد؟!

نگاهی به "جمع بندی مباحث کنگره پنجم کومه له"

در تاریخ دهم فروردین ماه ۶۵، کمیته مرکزی "حزب کمونیست" (سهند) وعده داد تا چکیده مباحث و نتایج کنگره دوم خود را منتشر نماید، اما صورت (خرداد ماه ۶۵) به این وعده خود عمل نکرد. ست. کومه له نیز طی یک اطلاعیه، مورخ ۶۴/۱۲/۲۳	که وعده کرده بود "چکیده مباحث و نتیجه گیریهای کنگروه" خود را انتشار دهد، با لاف و وپرازدستی تاخیر به انتشار برخی از این مباحث تحت عنوان "جمع بندی مباحث کنگره پنجم" دست زد. هر کسی که این "جمع بندی" را مطالعه کرده باشد، به راحتی این	مطلب را دریافته است که کومه له، مسائل را از سر باز کرده و جز طرح کلیات همبستگی خود، چیز دیگری ارائه نکرده است. کلیاتی که تاکنون بارها از زبان کومه له شنیده شده و خواننده ای که با نوشته های کومه له آشنایی داشته باشد، درمفحه ۷
---	---	---

در صفحات دیگر:



● اخبار جنبش نوده ای

درمفحه ۱۷

۳ خرداد

و

شتاب در استحاله

درمفحه ۹

حزب دمکرات

و

"جبهه دمکراتیک"

ضد امپریالیستی

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان
ایران، تشکیل جبهه دمکراتیک ضد
امپریالیستی را یک ضرورت تاریخی
قلمداد نمود و از رهبری حزب خواست "در
این راه پیشقدم گردد و کوششهای لازم را
بمیل بیاورد".
پس از انتشار قطعنامه های مربوط
کنگره هفتم حزب، اینها ریکم دو جبار دهمین
شماره نشریه "کردستان" ارگان کمیته
مرکزی حزب دمکرات در مقاله ای تحت
درمفحه ۸

هه موو میلیه ئیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه یه

جنگ، متعل رژیم قربانگاه توده‌ها

ندارد. اما رژیم، نجات خود از وضعیت غیرمتعادل و ناپایداری گزینی را، در جنگ و تشدید آن می‌بیند. از اینرو بی‌آنکه کمترین موفقیتی در جبهه‌های جنگ نمیباشد و با شدویا آنکه چشم‌انداز روشنی در تداوم آن دیده‌شود، صرف‌آنکه بقاء خود را در ادامه جنگ می‌بیند، بر دامنه آن می‌افزاید و شکست‌ها و ناکامی‌های و در این زمینه نه تنها مانع تداوم آن نیست، بلکه خود زمینه‌ای است برای پافشاری هر چه بیشتر رژیم بر آن.

رژیم جمهوری اسلامی بطور کلی در سراسر طول جبهه‌ها، از شمال تا جنوب، ناتوان از این بوده‌است که جنگ را به شکل مطلوب خود پیش برد. در جبهه جنوب، و پس از تصرف "قزو" نه تنها هیچگونه پیشرفتی نداشته، بلکه دائماً با شکست‌های بی‌دریجی روبرو گردیده‌است. بدنبال عملیات مفتوحانه والفجر، که تلفات بسیار سنگینی به رژیم وارد آمد، بسیاری از نقاطی را که قبلاً در تصرف خود داشت از دست داد و نیروهای رژیم در این منطقه بیشتر در یک حالت دفاعی بسر می‌برند. در جبهه میانی یعنی منطقه فکه تا مهران نیز، معادلات جنگی به زیان رژیم بوده‌است و چشم‌انداز امید بخشی برای او نمی‌گشاید. جنگ در شهرها و بمباران مراکز اقتصادی و غیره نیز نیاپی توضیح ندارد که شدت به رژیم لطمه وارد نموده‌است. اما تمامی این موارد و تباثی که دزپی داشته‌است، نه تنها موجب آن نگشته‌است که رژیم دست از جنگ بردارد، بلکه بر عکس، خود آنچنان شرایطی را فراهم نموده‌است که رژیم با تمامیت وجود و اتکاء به کلیه امکانات خود، بر ادامه آن تاکید ورزیده‌است. اطلاعاتی‌های بی‌دریجی ارگان‌های مختلف رژیم برای سربازگیری و بسیج اجباری نیرو، اعزام اجباری کارگران و کارمندان تعقیب و دستگیری جوانان در کوچه و خیابان، نشانگر این واقعیت است که رژیم بر آنست تا کلیه امکانات بالقوه و بالفعل را به خدمت جنگ درآورد. بخدان سران رژیم و فرماندهی نظامی، تبلیغات بسی انتباه در نمازهای جمعه و غیره، به آتشکارترشن‌نکلی بیابگر آن است که

رژیم به قیمت فشار هر چه بیشتر بر توده‌ها مردم ایران پای آخرین مراحل حیاتی و مماتی خود رفته است. اقتصاد و سیاست و همه چیز را در خدمت جنگ قرار داده‌است. امروز تمامی بخش‌ها و نهادها، جامع تحت الشعاع جنگ قرار دارد. اختصاص هزینه‌های سرمایه‌آور، تبلیغات مکرر رژیم برای بسیج نیرو و کانالیزه کردن بخش‌های از تولید داخلی در جهت تولید و نائل نظامی و تسلیحاتی، همه و همه گویای این واقعیت است که سران رژیم در پی حفظ منافع خود که در اساس منافع ملی توده‌ها است و برای بقاء سیستم پوسیده و ورشکسته موجود، به آخرین دست و پا زدن‌ها نشان روی آورده‌اند. تلاش‌هایی که در عین حال موجب رشد هر چه بیشتر نارضایتی توده‌ها است و سقوط قطعی رژیم را نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در کردستان نیز سعی داشته است با تبلیغات مستمر و سازماندهی شده، سیاست‌های ارتجاعی خود را پیش برد. تکیه بر روی ارگان‌های مختلف رژیم و استفاده از این ارگان‌ها و یا ایجاد نهادها و مثابه برای تبلیغ جنگ و ادامه آن، یکی از شیوه‌های برجسته‌ای بوده‌است که رژیم در ابدا بسیار رگسترده‌ای به آن دست یازیده‌است.

مناقض تشکیل سمینار "لبنیک یا امام" در اواسط فروردین ماه و براساس رهنمودهای آن، تشکیل "سادهای جنگ" در تمامی استان‌ها برای تأمین نیرو و امکانات جنگ، و یا به زعم سردمداران رژیم، سازماندهی و هدایت توده‌ها به سوی جبهه‌ها، در دستور کار رژیم قرار گرفت. در همین رابطه، کردستان نیز اخیراً شاهد سمینارها، گردهم‌آیی‌های ارگان‌های مختلف، سخنرانیه‌ها و محابه‌های مجرّه‌ای رژیم بوده‌است. رژیم با تبلیغ از طریق ارگان‌های رنگارنگ، همچون "کمیته تبلیغات جنگ"، "سادهای تبلیغات جنگ"، "شوراهای اسلامی، نمازهای جمعه، فرماندهان نظامی، استانداران و فرمانداران و غیره، تلاش نموده‌است تا توده‌ها را متدیج کردستان را برای جنگ ارتجاعی بسیج کند و کلیه فعالیت‌های یک چنین نهادها را در راستای تأمین نیازهای جنگ و اهداف جنگ طلبانه هدایت نموده‌است. مضمون دیگری که چنین تبلیغات برداشته‌ای تحمیل و ترویج نموده‌است و استعاده روش‌های ریاکارانه برای به اصطلاح

صرفه‌جویی و یا کم‌صرفی و غیره بوده‌است، که در عین حال افلاخ و ورشکستگی رژیم را نیز در بر داشته‌است.

وقتی که از استان‌ها و کردستان در مورد هدف سمینارهای شوراهای اسلامی که در سطح استان و شهرستان‌های کردستان برگزار گردیده‌است سؤال می‌شود، او می‌گوید: "پس از فرمان امام مبنی بر حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنگ، جهاد سازندگی اقدام به برگزاری شوراهای اسلامی در شهرستان‌ها و بخش‌های تسایع استان کردستان نمود"، "در سمینارها که ظرف مدت یک روز برگزار شد، فرماندهان محترم سپاه شهرستان‌ها، وائمه محترم جمعه، فرمانداران و بخشداران گرامی همه صحبت کردند، صحبت‌هایشان تماماً حول محورهای جنگ، ضرورت حضور مردم در جنگ و چگونگی ونحوه مشارکت مردم و شوراهای در جنگ مطالبی عنوان شد که مجموعاً بسیار مفید و موثر بود" (۶۵/۳/۱). "کمیته تبلیغات جنگ" استان کردستان، با حضور مقاماتی چون قائم مقام ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، مسئول هماهنگی کمیته‌های تبلیغات جنگ، استاندار کردستان، امام جمعه سنندج، فرماندهان نظامی و غیره تشکیل جلسه میدهند و از جمله در مورد اتخاذ روش‌های تبلیغی بهتر و مناسب‌تر در امور جنگ و جبهه‌ها، صحبت می‌گردد و به کارگیری شیوه‌های جدید نیز مورد بررسی واقع می‌شود و نهایتاً استفاده از روش‌های تبلیغی جدید، همچون تشکیل شب‌نگاه، موزه، و یا اجرای تارونما پستان در رابطه با جنگ نیز در دستور قرار می‌گیرد. "کمی بعد"، امام جمعه، اعطای هیئت امنای جمعی دیگر از مسئولین سنندج با حضور استان‌ها و کردستان تشکیل جلسه میدهند و طی آن چگونگی مشارکت توده‌ها در جنگ مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد و از جمله برای این نکته تاکید می‌شود "در کس

که توان بدست‌گیری اسلحه‌ها را بداید به جبهه بروند و غیر این صورت تا می‌تواند از نظر مالی و تبلیغی جبهه‌ها را تقویت کند".

در همان زمان سمینار دیگری مرکب از امام جمعه و فرمانده سپاه پاسداران و مسئول بسیج و یک سری نیروهای تازه آموزش دیده "لبنیک یا امام" در شهر قروه تشکیل گردید، که طی آن سربازان متشن گرداسنای ریزه‌جهت استقرار در مناطق



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرامون از سرگیری برنامه های عادی رادیو "فدائی فدائی" کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

چهارماه پیش هنگامیکه حمله مسلحانه باند توطئه گر مطلق مدنی - حامدشپانی به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان به شکست انجامید، اما در اثر دخالت خودسرانه اتحادیه میهنی کردستان ظنین پرخروش فدائی وقتا از حرکت باز ایستاد و امکانات رادیوئی سازمان توسط اتحادیه میهنی کردستان به تاراج برده شد، ما خطاب به طبقه کارگر و عسکرموده های زحمتکش مردم ایران گفتیم که علیرغم تمام تلاشهای مذبوحانه بورژوازی، فدائی فدائی یار دیگر فعالیت خود را آغاز خواهد کرد و نقش آگاهگرانه خود را از سر خواهد گرفت. چنین نیز شد. یکماه پیش در اوایل اردیبهشت ماه فدائی مجددا فعالیت خود را با بخش نشریات سازمان آغاز نمود. اما از سرگیری برنامه های عادی رادیو، به رفع نواقص فنی آن منوط گردید. اکنون پس از رفع این نواقص به اطلاع عموم توده های مردم زحمتکش ایران میرسانیم که از تاریخ پنجم خردادماه فدائی فدائی برنامه های عادی خود را از سر خواهد گرفت. برنامه های فدائی فدائی هرروزه از ساعت ۸/۳۰ شب روی موج کوتاه ردیف ۶ متر بخش خواهد شد. همین برنامه روز بعد در ساعت ۶ با مدت و همچنین در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر تکرار خواهد شد. و از تاریخ دهم خردادماه برنامه های فدائی فدائی روی موج کوتاه ردیف ۷ متر بخش میگردد. از سرگرفته شدن برنامه های عادی رادیوئی سازمان یکبار دیگر این واقعیت را به همه نشان داد که علیرغم تلاشهای ارتجاعی و مایوسانه بورژوازی، هیچ عاملی قادر نیست ما را از ادامه فعالیت باز دارد. مادر جیت تحقق آرمان طبقه کارگر یک لحظه از پای نخواهیم نشست.

بورژوازی هرآنچه برودت تنبیقات و فشارهای خود علیه ما کمونیستها بیفزاید، ما را سخت تر و بیگیرتر به مبارزه ادامه میدهم و استوارتر از همیشه در جهت آگاهی و تکمیل و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران تلاش میورزیم. تاریخچه سراسر مبارزه حاسی فدائیان خلق نشان داده است که کشتار، اعدام و به بند کشیدن هزاران تن از رفقای ما نتوانسته است لحظه ای در مبارزه سازمان ما وقفه ایجاد کند.

هر تلاش ارتجاعی بورژوازی برای ضربه زدن به سازمان و بازداشتن آن از مبارزه با فداکاری و از خود گذشتگی رفقای ما خنثی شده است. علیرغم سرکوبهای مداوم و ممنوعیت مستمر فعالیت سازمان توسط مرتجعین، سازمان ما در دشواریترین و سخت ترین شرایط، به وظائف انقلابی خود عمل کرده است. این واقعیت را حتی مرتجعین نیز دریافته اند. از همین روست که اکنون مدتی است نوام با سرکوب، بدروشها و شیوه های دیگر نیز متوسل گشته اند. چاب و بخش نشریاتی با استفاده از آرم و نام سازمان با بمنظور بدام انداختن هواداران سازمان توسط رژیم جمهوری اسلامی ویا به قصد ایجاد ابهام و سردرگمی در میان توده های مردم توسط بورژوازی ایورسیون و عوامل رنگارنگ آنها در زمره شیوه های دیگریست که بورژوازی علیه سازمان بکار گرفته است، اما چنین شیوه هایی دیگر کار ساز نبوده و نیست.

شکست تلاشهای فدا انقلابی مجاهدین خلق در ایجاد یک سازمان دست نشانده بنام فدائی که جز رسوایی و بی اعتباری هر چه بیشتر چیزی عاید آنها نداشت، بیانگر این حقیقت است، این شکست در عین حال درس عبرتی است برای امثال حزب دمکرات

کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان که آنها نیز تلاش کردند از طریق باند مزدور خاش و خود فروخته مدنی - شیبانی، یک سازمان دست نشانده بایک ارگان ساختگی وقلابی بنام "شورای عالی سازمان" ایجاد کنند و حتی از فرستنده های رادیوئی خود از طریق این مزدوران، بنام سازمان برنامه رادیوئی بخش کنند. شکست همه این تلاشها قطعی است چرا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بایک خط مدنی انقلابی در جنبش شناخته شده است و هواداران سازمان که کمترین آگاهی به مواضع سازمان داشته باشد سربا این سازمانهای قلابی و ساختگی دست پرورده بورژوازی را خواهد شناخت. بورژوازی حتی با توسل به این شیوه ها نیز قادر نیست ما را از ادامه راهی که در پیش گرفته ایم باز دارد. مادر مبارزان خود بیگیر و مدممیم و همه تلاشهای بورژوازی را نقش بر آب خواهیم ساخت.

اکنون وظیفه فعالین و هواداران سازمان است که سرخست و رو بیگیرانه تر از گذشته به وظائف انقلابی خود عمل کنند. مواضع سازمان را بیش از پیش در میان توده های مردم تبلیغ کنند، نشریات سازمان را هر چه گسترده تر توزیع نمایند. ساعات و طول موج رادیو را به اطلاع همگان رسانند. با ارسال اخبار و گزارشات، رادیو را در امر پیشبرد وظائف انقلابی باری رسانند و تشکلات مدافعی بورژوازی را خنثی کنند. بورژوازی سرخشت دیگری جز شکست در پیش ندارد.

سرتیگور ساد رژیم جمهوری اسلامی - سرفرمانده جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجم خرداد ۱۳۶۵

جنگ، متضاد رژیم

مرزی تا شید گردید، مخزودیکر شهرهای استان کردستان نیز شاهد بزرگزاری یک چنین حملات و تلیفات می بوده است. اسباب دگسترده تلیفات می دسوحانسه رژیم در این زمینه، و پیش برد امور تلیفاتی با برنامہ سازماندهی شده روشتراستیت تبارم و تشدید جنگ برای رژیم در این مرحله است. رژیم همه تران خود را برای وادار ساختن نوده‌ها به "مشارکت" در جنگ و تامین نیازهای جبهه‌ها بکار گرفته است. این کوششهای سیستماتیک رژیم کدازکانال ارگانهای متعدد او پیش برده می‌شود در عین حال نشانگر این واقعیت است که رژیم نتوانسته است توده‌های خلق کرد را مطیع سیاستهای خود سازد. سازماندهی این تلیفات کم‌بایقه و بی‌خدمت گیری ارگانها جورا جور، توام با ریاکاریهای مزدوران کدستی، در تحسین و فریب توده‌ها دانته‌اند یک روی همان سکه‌ای است که، بر روی دیگر آن، سرکوب‌های خشن و بیرحمانه نقش بسته است.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، در راستای سیاستهای جنگ افروزان و اهداف ارتجاعی خود، بر فشارها و تنیقات قبلی خود نسبت به زحمتکشان خلق کرد شدت بخشیده است. این رژیم به مسازات تلیفات شبانه روزی خود، سیاست سرکوب را در پیوند کردستان پیش برده است و سواره بی‌شمار سیاست اصلی و محوری خود جهت برآوردن خواستهای ارتجاعی اش از خشن ترین سرکوب‌ها سرد جسته است. بسوء اخبار درج شده در همین شماره رنکای کل نیز گریای این واقعیت است که سرکوب، روش اصلی رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی - همچون تمامی رژیمها سوزوواشی - در قبال توده‌ها است و بر این زمینه اساسی ترین خواست رژیم در این برهه، تامین نیروهای مادی برای جبهه‌های جنگ ارتجاعی است. از همین رو است که کماکان تلاش در جهت پیشبرد سیاست ارتجاعی برپا گیری و تلیفج اجباری توده‌های خلق کرد، هدف غریز

زور و فشار در سرتوچه برنامه‌های رژیم قرار دارد.

با فشاری رژیم، برادامه جنگ ارتجاعی، تلیفات مداوم و برداشته و اعمال زور و سرکوب، طبعا در کردستان نیز پامپای دیگر نفاذ ایران پیش برده شده است. در جبهه شمالی جنگ ایسران و عراق یعنی کردستان و به ویژه در مناطق پیرانشهر و حاج عمران، با کسب امکانات و جنگ افزار و نیروهای انسانی تازه نفس، رژیم بر شدت جنگ در این منطقه افزوده است. تلیفات بی وقفه رژیم بخواطرس استفاده از امکانات گسترده تروبیج نیرو برای اهداف توسعه طلبانه رژیم، حاکی از آن است که منطقه کردستان نیز در مساعلات جنگی رژیم با عراق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دست پخت اخیر بران رژیم برای اهالی زحمتکش منطقه، تشکیل گردانهای جنگی ویژه‌ای با نام "گردان قائم" بوده است که برای استقرار در کردستان و در نواحی مرزی ایسران و عراق آموزش دیده‌اند.

روشن است که نتیجه طبیعی این ترغندها و شیوه‌ها، اعمال فشار هر چه بیشتر بر توده‌های زحمتکش و مستعبد این منطقه است. دمه‌ها تن از مردم زحمتکش مناطق پیرانشهر، سردشت و غیره در هفته‌های اخیر گشته و بار خمی شده‌اند، بسیاری از روستاها در معرض بمبارانهای هوایی و با توپ و خمپاره باران قرار گرفته‌اند. خانه‌ها و اماکن مسکونی بدکلی و پسران کشته و تعداد کثیری از اهالی این مناطق آواره گشته‌اند و بسیاری از روستاها به کلی خالی از سکنه گشته است. مزدوران، در تلیف اهداف ارتجاعی و ضد مردمی رژیم، بسیاری از روستاهای مناطق بانه، سردشت، سنندج، مریوان، سنزودیکر شهرهای کردستان را برای سرپا گیری و تلیفج اجباری سورد مجرم قرار داده‌اند. روستاهای متعددی به محاصره نیروهای رژیم درآمده و سرکوبگر برای شکار جوانان به تفتیش و خانه گردی پرداخته‌اند. برخی از روستاها، روزهای متوالی در محاصره نیروهای رژیم بوده و مزدوران سامنع آمودرفت و سانسیت از رفتن توده‌ها به سرکارهای روزمره خود و با ایجاد انواع و اقسام محدودیت‌های دیگر، سعی در تسلیم توده‌ها داشته و از آن

خواستند شد است تا بدستخ رژیم مسلح گردند. مزدوران رژیم برای سرپا گیری و تلیفج اجباری حذاکثر تلاش خود را با تار بسته و در این زمینه از تیراندازی و سوزی توده‌ها نیز در بنگ نکرده‌اند.

رژیم همچنان با صدور بی‌شمار اطلاعیه برای اغرضی مشولین غربال و تلمین کرد و آنان را تهدید به اقامت "خدمت" و جرمه‌های دیه‌ری می‌نماید. خانواده‌های مشولین نیز در محاصره سورد تعرض نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته‌اند. زحمتکشان خلق کرد، از جورا جور دیگری نیز مشول اینگونه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بهره‌مند می‌شوند. اغاذی ماس و غارت اهالی، تحت عنوان کسب بدجه‌ها همچنان در دستور کار رژیم بوده است. بسیاری از زمینداران و فئودال‌های کردستان، به ویژه در نواحی پیرانشهر و اشویه توسط رژیم مسلح کشته شده‌اند. گونه امکانات در اختیار آنان قسرا گرفته است. این مزدوران مسلح، با انگیزه به امکانات اهداتی رژیم و بدست گیری ارگانهای سرکوب او، با قلندری روستاها را اشغال کرده و بازو را بلیه از کسی دهقانان از جنگشان در می‌آورند و بر تبال هرگونه اعتراضی آنان را به تلیفج جباری و اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی می‌کنند.

اما اعمال این شیوه‌ها از جانب رژیم، جز روبرو آمدن مردمی، ناپسندیده چندان برای او در بر نداشته است. در اکثر موارد توده‌ها نسبت به این روشها دست به اعتراض زده‌اند و پاسخ پخته‌ای به سیاستهای ارتجاعی رژیم داده‌اند. مواردی نیز توده‌ها با حرکت پشمارا و حالت شمرغی گرفته و پایتاقهای رژیم را با سنگ و توب سورد حمله انداخته‌اند. داده‌اند تشدیدات مزدوران و سوزوواشی جوانان را و اظهار دای بی درونی و سانسیت و اطلاعیه‌های دولتی بلا اثر مانده‌اند. مشولین کماکان از رفتن به سرپا گیری خودداری کرده و به اشکال مختلف در مقابل آن مقاومت می‌کنند.

چنین است تصویر مختصری از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم و سوزوواشی آن در کردستان و عکس العمل توده‌ها در مقابل آن. کثرش دامنه سرکوب و تلیفج در این منطقه

ورشکستگی رژیم و ریاکاری استانداری کردستان

اوضاع وخامت‌بار اقتصادی که گریبان رژیم را با جان سختی هر چه بیشتری گرفته است، آنچنان عیان و آشکار است که نه پنهان کردنش است و نه همانطور که تاکنون نیز شخصی شده است، در چارچوب رژیم موجود حل شدنی است. امروز بحران حاد و مزمن اقتصادی آنچنان ابعاد بخود گرفته است که حتی سران درجه اول رژیم، بخود جرئت نمیدهند ترهات سابق شان "چشم‌انداز اقتصادی پوپا و پرتحرک" را تکرار کنند، چرا که عملکردهای اقتصادی دولت در سال گذشته و بازتاب آن در کردستان، و تداوم این عملکردها در سال جاری خراب‌تر از آن بوده است که قابل دفاع باشد و یا براساس آن بتوان چشم‌انداز امیدبخشی را تصویر کرد. بویژه، هنگامیکه تحولات اخیر در زمینه کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی حملات هوایی رژیم عراق به مراکز اقتصادی و آسیب دیدن بخش‌هایی از این مراکز و در نتیجه ایجاد اخلال در مصرف رادر نظر بگیریم و همچنین به پیوند حیات رژیم با ارزی که از طریق فروش این کالا تامین میشود توجه نمائیم، آنکس که ورشکستگی و افلاس رژیم آنچنان ابعاد کم‌مایه‌ای بخود میگیرد که در چشم - انداز آتی، هیچ چیز، جز تیره‌تر شدن وضع رژیم، جز گسیختگی و فروپاشی، و جز اضمحلال و سقوط دیده نمیشود. سردمداران رژیم در کردستان، در عمق ورشکستگی و افلاس ما، این وظیفه را به عهده گرفته‌اند تا انحطاط و یوسیدگی رژیم را از چشم توده‌ها پوینده دارند و با ادعاهای توخالی خود به فریب آنان بپردازند. اینان میخواهند چنین وانمود سازند که هیچ اتفاقی نیفتاده است و جمهوری اسلامی کماکان همه مشکلات ناشی از جنگ را به هیچ میگیرد و عوارض آن هیچ تاثیری بر اقتصاد رژیم و وضعیت مالی او ندارد، پس شب و روز به تبلیغاتش دروین در این رمند می پردازند و آنقدر آنرا تکرار میکنند که اس امر بر خود آنها نیز مشتبه میشود. نوکران رژیم پس آنکه هدف محوری این

تبلیغات، یعنی تبلیغ برله جنگ و تامین نیازهای مختلف آنرا یک لحظه فراموش نمیکنند، دائما در مجالس، مجالس و رادیوهای مختلف به تشخو از اینگونه تبلیغات مشغولند. بورژوازی عموما برای مقابله با توده‌ها و برای پیشبرد اهداف و سیاستهای خود، به دو روش متوسل میشود، مرکوب علنی و آشکار، و فریب و تحمیل. رژیم جمهوری اسلامی در واقع در پی همان اهداف مرکوبگرانه ارتجاعی خود و برای انحراف توده‌ها از مبارزه و گول زدن آنان، با این تبلیغات فریب آمیز دست می یازد. بر این مبنا است که با یک سری وعده و وعیدهای که هیچگونه پایه و اساسی ندارد، سعی در فریب و تحمیل توده‌ها دارد. با چنین انگیزه‌ایست که رژیم مهره‌هایش را در شریف و تشدید از خود و از رونق اقتصادی و غیره و غیره کوک میکند. عمال رژیم، این مهره‌های کوکی، اما آنکس که در معرض اعتراض مستقیم توده‌ها قرار گرفته و با آن روبه‌رو میشوند، نمیتوانند افلاس رژیم را انکار نمایند. چرا که اوضاع فلاکت‌بار توده‌ها، خواستهای برحق و برآورده نشده اولیه آنان آنقدر آشکار و ملموس است، کمبودها و نارسائیه‌ها آنقدر زیاد و آنچنان عیان است فشار ناشی از بحران اقتصادی رژیم و وضعیت اسف‌بار مالی او، آنقدر بر سر کرده توده‌ها سنگینی کرده و میکنند که حتی تشبیه ساعتها خرافاتی و گرافه‌گویی سردمداران، کمتر بین اثری بر آن ندارد که هیچ، بلکه چنین سخنانی جز رسوایی و بی اعتباری هر چه بیشتر رژیم را در بر ندارد. نوکران رژیم که بطور ریاکارانه‌ای با پیش کشیدن مسائل مذهبی و سوء استفاده از اعتقادات و احساسات توده‌ها، مذبحخانه تلاتی میکنند تا مسیر درست درخواستهای عینی و ملموس توده‌ها را منحرف کرده و با مثنی خزینلات همچون "عزت و عظمت اسلام" و "تبعیت از رسول اکرم" جلب رفاقت خدا" و امثالهم پاسخ دهند، به

عیان ترین شکلی بی کفایتی رژیم و در عین حال ناشی گریهای سبک مغزانه خود را به نمایش میگذارند. در همین رابطه، اوائل خرداد ماه تابش یکی از مهره‌های رژیم و استانداری کردستان، همراهِ با تعداد دیگری از مزدوران دولتی، به یکی از محله‌های فقیرنشین شهر سنج بنام محله "بهار مست" میرود و در مسجد این محل که اهالی در آن جمع شده بودند جا می‌گیرد میشود تا موارد دیکته شده را به خورد توده‌ها بدهد. مردم این محله نیز که از مشکلات عدیده‌ای رنج برده و فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند، در منوره برخی از جنبه‌های مشکلات خود صحبت میکنند. اما آقای استانداری، بجای پرداختن به مسائل توده‌ها و مسواری که از سوی آنان عنوان شده است، آغاز به تعریف از "ماه مبارک رمضان" میکند، و تا آنجا که میتواند در مورد "فضیلت‌های این ماه" داد سخن میدهد، و در مورد "نظام الهی" که "قوی‌تر از همیشه روی پای خود ایستاده" است سینه چاک میدهد. نوکران رژیم که گویا عبادت کرده‌اند هر چند سقوط رژیم آنها نزدیک تر شود، به همان نسبت آنرا با ثبات تر و هر چند بحران اقتصادی شدت بیشتری یافته و اوضاع رژیم در این زمینه وخیم‌تر شود، آنرا عادی‌تر جلوه دهند، به همان سیاق هر چند وابستگی رژیم در عرصه‌های مختلف اقتصادی ریشه دار تر گردد و هر چند کمتر از همیشه روی پای خود بیند باشند، آنطور وانمود میشود که قوی تر از همیشه روی پای خود ایستاده و لابد مستقل‌تر است! او میگوید: "نظام الهی جمهوری اسلامی علیرغم تمامی توطئه‌ها قوی تر از همیشه بر روی پای خود ایستاده و به ارائه خدمات در سال جاری می پردازد" (گفتار رادیو سنج ۶۵/۳/۸).

سردمداران رژیم، که از ضرر مشکلات و نارسائیه‌های عدیده گنج و سر درگم شده‌اند، از هر طریق ممکن برآنند تا اوضاع رژیم را کاملاً نرسال و عادی جلوه دهند و رژیم منحط جمهوری اسلامی را که کوس رسوایی و ورشکستگی آن، گوش جهان را کرشموده است، نه تنها قوی، که "قوی تر از همیشه" خوانند. استانداری مردور کردستان در منوره

زنده باد همبستگی خلقها

بمناسبت هفتمین سالگرد سرکوب خلق عرب

نهم خرداد ۵۸، چهارشنبه سیاه، بادآور روز خونینی است که طی آن نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، به سرکوبی عوامل مزدوری نظیر تیمار مدنی، استادان منتخب خمینی، به قتل و کشتار توده‌های ستم‌دیده خلق عرب پرداختند. اینبار نیز با یزوره غارت و خوریزی سلسله سرمايه را در این سرزمین تحکیم نمایند.

در این روز، کانون سیاسی فرهنگی خلق عرب آماج اصلی یسورش ارتجاع قرار گرفت. با وجود اینکه توده‌های خلق عرب با تهاجم ناکهانی مواجه گشتند اما سرعت واکنشی انقلابی در آنان برانگیخته شد. از آغاز تا سرانجام علیرغم ناکامی خود و غنوق نیروهای ارتجاع در یک سلسله درگیریهای همه جانبه با جنگ و گریز بدفاع از آرمانهای تاریخی خود برخاستند. دهها تن از کارگران و زحمتکشان در میان آتش گلوله‌ها، در خاک و خون غلتیدند و ارتجاع با تسخیر مقر کانون سیاسی فرهنگی بر اوضاع مسلط گشت.

جنبش خلق عرب اگرچه با سرکوب محدود گشت لیکن اقدام مزورانه رژیم ستمگر جمهوری اسلامی موجب واکنش شدید سیاسی توده‌های سراسر ایران گشت و در خوزستان نیز بر شور مبارزاتی اقشار خلق افزود.

اما آنچه مهم بود اینکه بورژوازی تازه به قدرت خزیده به مانند اسلافش، برای حفظ و حراست از امتیازات طبقاتی، به سیاست ستمگری ملی توسل جست و سرکوب ملیتهای تحت ستم ایران را نیز به بخش لایتنجری حاکمیت سیاسی خود مبدل نمود.

رژیم بدنبال یورش به آزادیهای دمکراتیک در سراسر ایران، بویژه خلق کرد، ترکمن، عرب... را نیز مورد تعرض قرار داد. اما برغم اعمال کوبه جیش توده‌ها، نه تنها قادر نگشت خواستهای انقلابی آنان را منکوب نماید،

بلکه مبارزات توده‌های سرکوب را پس خواست و متناسب با ویژگیهای منطقه‌ای و محلی همچنان تداوم یافت.

اگر در نخستین یورش رژیم به کردستان، نیروهای سرکوبگر در مقابل توده‌های مسلح ضربات سختی متحمل گشتند و در جریان روزهای پر تلاطم جنگ سازمانهای سیاسی ضمن حفظ آرايش سیاسی هریک متناسب با توان و ظرفیت معینی با دخالت مستقیم در جنگ به سازماندهی توده‌های پرداختند، و با مشارکت اهالی و ساکنین شهرها و روستاها به رفق و رفیق امور نظامی، اجتماعی، قضائی و حتی معیشتی توده‌ها همت گماشتند و از همین طریق با تثبیت یکسری دستاوردها تداوم جنبش را تضمین نمودند، در خوزستان اما با وجود اینکه عناصر پیشرو خلق عرب بر بستر عینی جامعه طی سالهای متوالی و علی‌الخصوص پس از قیام به کار سیاسی فرهنگی پرداخته بودند لیکن مهمترین ضعفی که در جریان نخستین یورش سرکوبگرانه رژیم نیز خود را با تمامی ابعادش نشان داد، عدم تشکل توده‌ای و رهبری واحد و انقلابی در بین توده‌های خلق عرب بود. یورش رژیم به خوزستان بر دامنه پراگندگی توده‌های انقلابی افزود و اگر کاروانهای دمکراتیک در فضائی نسبتاً آزاد و در میان شور و هیجان ناشی از اعتلا جنبش فدائریاییستی دمکراتیک خلقهای ایران به فعالیت پرداخته بودند، از این پس به نحو چشمگیری تحرک مبارزاتیان را از دست دادند و عملاً در شرایط جدید که به مراتب سخت‌تر و محدودکننده‌تر از قبل بود، نتوانستند با رهبری عملی، توده‌ها را سازمان دهند.

اگر در مناطقی نظیر کردستان و ترکمن محراب بدلیل حضور مستقیم سازمانهای انقلابی کمونیستی و علیرغم آنان به مثابه یک پارامتر مثبت و موثر در رشد عنصر ذهنی حضور فعال در عرصه مبارزات سیاسی در سطح وسیعی مشاهده

میگردید، در خوزستان اما بدلیل ضعف عامل ذهنی پتانسیل سیاسی مبارزاتی توده‌های خلق عرب آنچنان که میبایست مادیات نیافت.

در خوزستان اگر چه بر بستر ساخت اقتصادی اجتماعی، تحکیم مناسبات تولید کالایی سرمایه‌داری و گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی با بورژوازی داخل و خارج اساساً از حدت و شدت مائل ملی نسبت به برخی مناطق دیگر کاسته شده است و به همین دلیل زمینه‌های رشد جنبه‌های طبقاتی در بین اقشار و طبقات بویژه کارگران همواره وجود داشته است اما، چه قبل و چه بعد از قیام کارگران فاقد نقش بالفلتر رهبری در جنبش خلق عرب بوده‌اند.

عدم حضور جریانات پرولتری در جنبش خلق عرب یکی از نقاط ضعف آن بوده است. در حالیکه تقویت رادیکالیسم درونی جنبش انقلابی دمکراتیک خلق عرب یک ضرورت مهم در انجام مپایی درونی و استحکام آن در سطح جنبش فسد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران بوده است، فقدان جریانات پرولتری باعث گشته است که در سالهای متمادی نه تنها علیه شیوخ مرتجع و قرون وسطایی مبارزهای جدی صورت نگیرد، بلکه این عناصر ناسیونالیست و سازشکار به بقا خود ادامه داده و در حالیکه منافع و اهداف آنان با آرمان توده‌های زحمتکش مطابقت ندارد آنان عرصه را برای نفوذ مذهبی و حتی تلاش برای اعمال رهبری باز بیابند. آنچه مسلم است اینکه جنبش خلق عرب نیز صرف نظر از ضعفهای درونی خود که دامنه پیشروی آن را محدود ساخته است تا بجای از تاثیرات جنبش سراسری بوده است.

رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که سرکوب انقلاب را پس از قیام در دستور محوری خود قرار داد، اگر چه تلویحاً یورشهای گسترده به جنبش ملیتهای تحت ستم و کارگران و دهقانان و ایجاد محدودیت مطلق در مبارزات آنان قادر به تشبیت خود نگشته است و اگر چه دامنه جنبش خلق عرب با نخستین یورش رژیم

کوه کومه له مویش زانید! تا . . .

موضوع تازه ای که درخور اهمیت جدی باشد در آن نخواهد یافت. «جمع بندی» منتشر شده گویای این واقعیت است که، کومه له نه تنها نتوان از برخورد با انحرافات اساسی حاکم بر پیش خود داشت، بلکه بر حفظ این دیدگاه و با لایحه ترویج ایده های ناسیونالیستی اصرار می ورزد.

در اصفند ماه سال ۶۴ دو کنگره به سر گزار شد، کنگره پنجم کومه له و کنگره دوم «حزب کمونیست» (سهند). این کنگره های جدا جدا و پشت سرهم در شرایطی برگزار گردید که برخی اختلافات جاری میان کومه له و سهند بر سر سیاست های عمومی شدت میگرفت و گاه هر یک از مقالات درج شده در نشریات شان بازتاب می یافت. «کمونیست» شماره ۲۲ منتشره در شهریور ماه ۶۴ طی مقاله ای تحت عنوان «سبک کار کمونیستی» یک جمع بندی مجدد «برده از روی برخی از این اختلافات بر میدارد این مقاله ضمناً راه به آنکه «مناصفانه این سبک کار می رود که مشمول مرور زمان شود» و یا «این مقوله (سبک کار کمونیستی) کار صرفاً همان معنای محدود و دارای روز مره آن مدنظر قرار میگیرد...» از وجود «گرایش ها» و «تلقیاتی» صحبت به میان می آورد که بعنوان مانع اصلی و عللیه این درک (منظور درک از «سبک کار کمونیستی» «حزب کمونیست» و یا سهند است) صد آراشی کرده اند. «کمونیست» ۲۲ می نویسد: «اما منافخانه گرایش ها و تلقیاتی وجود دارند که علیه تعمیق بیشتر و بی گیرانه تر درک ما از سبک کار کمونیستی عمل میکنند.» (تاکید از ما). در اینجا «کمونیست» سهند، بطور شکو آمیزی، «گرایش ها» و «تلقیاتی» را بمیان میکشد که علیه درک ما از سبک کار عمل میکنند. معلوم میشود که «فرشته نجات» اتحاد مبارزان که آمده بود «حوزه ها» سازمان دهمی متفصل، اصول محیی عضوگیری، حاکم برسی و کنترل، مدرسه حزبی و کسار روشن حزبی را به ارمغان آورده «بود» (کمونیست ۲۲) چندان هم نجات بخش نبود است و اقرار، آنقدر با «ایریدیکت» محسوس نبوده است تا بتواند اعجاز کند! مثاله شده، که ما در شماره های پیشین ریگای کل با آن برخورد نموده ایم، در

میان آنکه به نگرین وجود داشته اختلافات میان کومه له و سهند است گویای موارد دیگری نیز هست که بطور خلاصه موبید درگ نادرست سهند و کومه له از حزب، و تنهی بودن حزب دست ما از آن بازخواست است. این مقاله، که بخشی از آن در «کمونیست» شماره بیست و دو، بعنوان (قسمت اول) آورده شده است، قرار بود در چند قسمت ارائه گردد، که پس از درج همان نخستین قسمت، متوقف ماند! در هر حال مجموعه تناقضات درونی کومه له که بعنوان یک نیروی محلی با آن دست به گریبان است و همچنین تشدید اختلافات میان او و سهند که دیگر میرفت جنبه علنی بیشتری بخود بگیرد، کومه له را بر آن داشت. و البته سهند را که با برگزاری کنگره اش به راه حلی دست یافته تا شاید بتواند از مخممه «نجات» یابد! کومه له که این بار «فرشته نجات» خود را در هیئت کنگره اش می جست، با انتشار «جمع بندی» مباحث کنگره «با وضوح تمام روشن ساخت که تناقضات درونی و انحرافات او کماکان بر جای خود باقیست و البته که با توجه به ماهیت و عملکردهای این جریان نمی توانست زائل شود.

کومه له در این «جمع بندی» هر چند که سعی فراوان کرده است با طرح «روح کلی» مباحث کنگره - بخوان کلی گویی - گریخت خود را خلاص کند و از همین رو «گزارش» مجمل و غیر صریحی را که دربرگیرنده جز آنچه که تاکنون از زبان کومه له شنیده شده است نمیداند، انتشار داده است. اما خود این «جمع بندی» روشنگر تناقضات این جریان محلی است و به افشاگریش از بیبیش ماهیت او مبدل گشته است. ما از این زاویه که کومه له با ردی گروهی تازه یک سری موارد گفته شده و گفته نشده را تأیید نموده و بر آن تاکید ورزیده است، نگاهی به این «جمع بندی» می افکنیم.

«جمع بندی» در همان ابتدا، برنام کومه له برای خودمختاری کردستان را «چهارچوب قبولی» ارزیابی کرده است، هر چند که به غیر دقیق بودن - و سبب ارشی انحرافی بودنش ما ذعان دارد. «برنامه کومه له برای خودمختاری کردستان کماکان چهارچوب قابل قبولی برای فعالیت کومه له در عرصه جنبش انقلابی کردستان است و شنبه را تا احتیالی در جهت تدقیق آن به بحث درونی تشکیلات گذاشته شده است» (نقل قول ها همه جا از «جمع بندی» مباحث کنگره پنجم کومه له) است. در غیر این صورت ما خدان ذکر خواهیم کرد

از ماست). کنگره کومه له برنامهای را تا شید میکند که خود به غیر دقیق بودن آن اعتراف دارد و ادعا میکند که میبایستی حول آن مبارزه بشود و لو یک درونی مینده است! اما، کمیته مرکزی کومه له هیچ نقش فعال و هدایت کننده ای در این زمینه نداشته است. از این رو کنگره، بحث روی این «برنامه» را ضروری تشخیص نداد و از دستور جلسه حذف نمود. کومه له بدین گونه از بحث روی آن و تصریح «احتمالی» ابهامات آن عامداً طفره رفت و در واقع برنامی مفاد آن صحت گذاشت. کومه له - چنانچه بدلیل اشتغال فکری و وجود مسائل مهمتری! که «حزب کمونیست» سهند در دستور کار قرار داده است، از این مراقف نما نیده باشد؟! - روشن ساخت که در این زمینه بطور درستی نسبت دشمنان و روابط بوده است. انحرافات کومه له در برنامهای برای خودمختاری کردستان که کنگره کومه له همچنان بر آن پای فشرده است، جدا از انحرافات عمومی او نیست. طرح مسائلی همچون «خروج خوی اشغالگر» و یا «جمهوری دموکراتیک انقلابی» و غیره در برنامها، با فشاری کومه له بر همان برنام خودمختاری پیشین خود، بیانگر آن است که کومه له امروز در قبال مسئله کردستان و مسئله ملی، تقریباً همان کومه له دو سال پیش و با حتی قبل تر از آن است. اعتراف کومه له نیز مبنی بر اینست که این موضوع اساساً به بحث درونی تشکیلات گذاشته شده است روشن میبازد که کومه له نه تنها دست بردار از منافعی ویژه خود که در همان برنام قبلی انعکاس یافته است، نیست، بلکه محکم و دودستی بآن چسبیده است و مرغ کومه له هنوز هم یک پا دارد! البته قصد ما در اینجا بر خورد به برنام کومه له برای خودمختاری اش نیست، صرفاً برخی نکات آن را که در این جمع بندی، بطور مشخص تری بر جسته آورده شده است، در ادامه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

خوددوری و راهای کومه له ای که امروز محلی بودن آنها و این موضوع که آنان به ما به جریانی که در چهارچوب کردستان به فعالیت می پردازند، دیگر بر همگان محرز گشته است، در لایحی جمع بندی خود با اصرار عجیبی، میل دارند خود را کمونیست بخوانند، تا از این طریق رسماً توهم پراکنی نسبت به خود را بر مسلمان خراست و اهداف پرولتاریا را اسرار را

حزب دمکرات و . . .

عنوان "فروتن تشکیلات جبهه دمکراتیک فدائیریا لیستی" ضمن تفریح سیاست حزب در زمینه "وحدت" و "اتحاد نیزوها" هدفهای برنامه‌ای "جبهه" مورد نظر خود را ارائه نموده است. تاکنون بارها از سوی برخی سازمانها و احزاب "اپوزیسیون ایران" شعارهای وحدت طلبانه‌ای بمیان کشیده شده است. آنان جنگی به انحصار گوناگون به طرح مسئله "سرنوشتی رژیم برداشته و خواهان یک قطب قدرتمند بوده اند.

واقعیت اینست که با شدت پایدی بحران انقلابی و ورشکستگی همه جانبه جمهوری اسلامی، اتحاد کلیه نیروهای انقلابی و دمکراتیک در راستای انجام وظایف بلاواسطه انقلاب قطعا ضروری است. یک چنین امری تاکنون منجر بدان گشته است که یک سری از نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی تلاش کنند تا برای دست پایی به اهداف خویش در پیس فریادهای وحدت طلبانه، مرز بین خواستهای اهداف و منافع اقشار و طبقات جامعه را مخدوش ساخته و ماهیت سیاسی - طبقاتی خود را نیز مستور نمایند.

"جبهه متحد خلق" حزب نشوده و "اکثریت"، "شورای ملی مقاومت" مجاهدین و "جبهه واحد کارگری" راه کارگر جمعی به انگارین تلاشها هستند.

اما امروز کدام عنصر آگاه و انقلابی است که نداند هر یک از این دستگاههای ممالاتی نه تنها نمی توانند یک بدیل انقلابی دمکراتیک برای سرنوشتی رژیم باشند بلکه حتی نمی توانند یکبار دیگر روپای "وحدت عموم خلقی" را در پیست توده ها اشاعه نمایند و با عموم "مردم" را تحت یک فرمان گرفته و آنان را به "تدار" یا یکدیگر دعوت نمایند. کدام کارگر آگاه به منافع طبقاتی اش هم زنجیران و متحدین خود را به زیر پرچم ایشان فرا میخواند؟

رهبری حزب دمکرات از جمله نیروهاست که "وحدت" را با دامن زدن به

گرایشات عموم خلقی، بیتقدم شده است تا بدیلی ارائه دهد و تجمع نیروهای "اپوزیسیون ایران" را در یک "چارچوب" وسیع ترو منطقی تر متحقق گردانند.

ببینیم حزب دمکرات در این باره چه میگوید:

"طی چهل سال فعالیت سیاسی خود... تمایل به همکاری با نیروهای مالم و دمکراتیک کشور یکی از اصول مئی سیاسی حزب دمکرات بشمار میرود... پس از پیروزی انقلاب خلقهای ایران... حزب دمکرات همچنان در راه ایجاد جبهه مشترک نیروهای دمکراتیک و انقلابی از خود پیگیری نشان داد. در فروردین ماه ۱۳۵۹ رسماً تشکیل جبهه دمکراتیک فدائیریا لیستی پیشنهاد شد... سازمان چریکهای فدائی خلق در آن موقع به پیشنهاد حزب دمکرات جواب مثبت داد... سازمان مجاهدین علناً به این پیام پاسخ نداد. قرار شد در ملاقاتهای بعدی اعلان برنامه جبهه تدارک دیده شود... رویدادهای بهار و تابستان سال ۱۳۶۰ که منجر به خروج رهبر مجاهدین از ایران و تشکیل شورای ملی مقاومت گردید، روال طبیعی و منطقی تشکیل جبهه را بهم زد. آنچه پس از این تاریخ رخ داده نیازی به بازگو کردن ندارد... مجاهدین خلق علیرغم تمایل ما به تقویت و گسترش شورا و چهار سال کوشش در این راه چنان شرایط نامساعدی ایجاد کرد که ناچار حزب دمکرات شورا را ترک نمود."

(کردستان ۱۱۴)

تا بدینجا حزب شمهای از تلاشهای خود که برای متحقق ساختن طرح جبهه مورد نظرش بکار بسته است را بییان میدارد. اما سخنی از اینکه طی این سالها با چرانات سیاسی تا کجا و بر سر کدام اهداف و تحت چه برنامه قصد ائتلاف و وحدت داشته است بمیان نیامورده.

آنچه روشن است، همواره حزب دمکرات کردستان خود را "رهبر سازمانده" مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده های مردم کردستان ایران قلمداد کرده است و شعار استراتژیک خود، دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان را مایه سیاست ائتلافی اش قرار داده است.

اما عملکرد سیاسی حزب دمکرات طی این سالها بزورشنی آشکارا ساخته است که این حزب اساساً دارای چه درکی از خواستهای دمکراتیک فدائیریا لیستی شده های مردم کردستان که بطرز لایتنکی دراماسی ترین وجوه خود با خواستهای خلقهای سراسر ایران دارد، بوده است. تا کجا بر توده ها و اراده آنان اتکال نموده و به مضمون شعار استراتژیک خود که بمعنای یک شعار اساسی مینویست پایه وحدت عمل او با چریکات و موثلفین مورد نظرش قرار گیرد یا پشند است.

اگر در سال ۵۹ سازمان ما، به مثابه یک جریان قدرتمند و پیش برنده سیاست کارگری با حضور فعال خود در کردستان و مشارکت در جنگ انقلابی توده های زحمتکش، تاثیر بسزایی در تقویت رادیکالیسم درونی این جنبش ایفا نمود و از نظر عوامل ذهنی نقش مهمی را در ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها بر عهده داشت. با ارائه و تاکید بر برنامه ۲۵ ماده ای گامهای موثری در برجسته کردن جنبه های طبقاتی این جنبش برداشت، انشای سازمان که انعکاس نفوذ پایدی و تعمیق مبارزه طبقاتی در سطح جامعه بود تا شیر منشی بلاواسطه خود را نیز در سطح جنبش سراسری و منطقه ای بویژه جنبش انقلابی خلق کرد بر جای گذارد.

تضعیف سازمان به مثابه یک سازمان کمونیستی و نیرومند سراسری با خود رادیکالیسم موجود در سطح جنبش را نیز ضعیف نمود و آنچنان شرایطی پدید آمد که به تشدید گرایشات ناسیونالیستی منجر گشت. اگر تا دیروز فشار رادیکالیسم انقلابی باعث میگرفت که حزب دمکرات به ست قطب های بورژوازی ظاهراً هم که شده تمایل کمتری نشان دهد، اما با تضعیف نقش کمونیستها زمینه بروز هر چه سریع تر و علنی تر تمایلات درونی اش فراهم گشته و قابلیت خود را در پذیرش دیدگاهها بورژوا فرمیستی و لیبرالی نشان داد.

ورود حزب دمکرات به شورای ملی مقاومت پذیرش برنامه بورژوا فرمیستی آن و "چهار سال کوشش در راه تقویت و گسترش این نهاد بورژوازی به آشکار در مرحله ۱۳

۳. خرداد و شتاب در استکبار

و نیروهای بورژوا و خرده بورژوا و فرمیت از سوی دیگر است که در نهایت نه در خدمت انقلاب که بر علیه آن صف آرا می‌کشند.

۳۰ خرداد نیز در شمار آن نقاط عطف تاریخی انقلاب ایران است.

فدا انقلاب حاکم که پس از شروع جنگ ارتجاعی به بازسازی رگانه‌های سرکوبگر پرداخت، آماده جنگی تمام عیار با نیروهای انقلاب و در انتظار شرایط مطلوب برای سرکوب سازمان یافته بود.

در چنین شرایطی، سازمان ماکه در صدر جبران لطافت ناشی از انشعاب خائنین اکثریتی بود، توده‌ها نیز هنوز به حاکمیت متوهم بودند و آمادگی بکارگیری سلاح برای یک قیام سراسری را نداشتند و در یک کلام شرایط عینی و ذهنی برای انقلاب فراهم نگردیده بود، سازمان مجاهدین در خلا رهبری طبقه کارگر، میاندار کود گردید، رنگ قیامی زودرس را باطل میان نهی تاکتیکهای بلا تکلیفی بعدا درآورد و در غیاب توده‌ها دست بکار قیام شد و چاشنی شیرینکاریهای این سازمان در پیروهای کوتاه‌اشعاف دیرینه‌ای بورژوا فرمیتی با لیبرالها و در رأس آنها بنی‌مدرت تحت عنوان "میتاق" بود.

ارتجاع حاکم نیز در شرایط باب طبع خود دست بکار گردید، موج دستگیریها اعدا می‌ها و شکنجه‌ها بالا گرفت، تبلیغات رژیمن در سرکوبی نیروهای انقلاب دم زدند، تبلیغات وسیع و زهرآگینی علیه کمونیستها و سازمانهای مترقی و مبارز آغاز گشت، خانه‌گردی و تفتیش بسزودی بصورت یک امر عادی درآمد، اختناق و سانسور و خفان در مطبوعات، رسانه‌ها و دستگاههای ارتباط جمعی فزونی یافت رژیمن جمهوری اسلامی، با سرکوب عربان و سنان گسیخته، ماهیت ضد خلقی خود را بیش از پیش آشکار ساخت و در فتوای "آیات عظام" و خصوصاً شخص خمینی به دخالت در زندگی خصوصی توده‌ها و اوار کردن آنها به جاسوسی بفتح رژیمن تحت عنوان "تکلیف شرعی" هم‌دوره دست آورد چنین قیام

زودرسی بود.

آری! حامل اتحاد چنین سیاستی که یک پای آن مجاهدو "ملیشیای" ما چرا - جو بیکیای دیگرش بنی‌مدر فلاحی و دیگر نوکران بورژوازی بود میبایست به چنین فرجامی بینجامد، سیاستی که محدود به ۳۰ خرداد نشد و تحت عنوان "دبلماسی - انقلابی" به نزدیکی و ایجاد روابط با سران دول مرتجع منطقه و نمایندگان جناهای مختلف بورژوازی جهانی ادامه یافت و ماهیت طبقاتی مجاهدین را بیش از پیش عیان ساخت تا آنجا که مجاهد به اینها نیز بسته نکرد و در ادامه همان خوش رقصیها و مشاطه‌گریها به جاسوسی علیه سازمان ما و نیروهای مبارز و مترقی - پرداخته و بخشی از تبلیغات ارگانه‌های خود منجمله فرستنده‌های رادیوئی و نشریه مجاهد را به لجن پراکنی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اختصاص داد.

داده است، گذشته از با و سراسر اشیا و دروغ پردازیهایی بی‌حد و حصر دست به افشاء مشخضات و هویت برخی از اعضای سازمان و چاپ عکسهای هوا داران سازمان در خارج از کشور زده است.

بهر رو، آنچه مسلم است چنین سیاستهای توطئه‌گرانه و بنی‌دبازیها را از این دست، هرگز مقبول توده‌ها و بویژه کارگران و زحمتکشان نبوده و نیست، انقلاب کارشده‌هاست و توده بدون تشکیل و برنامه و قائد یک سازمان قایل اعتماد هرگز به پیروزی نخواهد رسید، خلقهای تحت ستم نیز که همواره از "برکات" رژیمن جمهوری اسلامی بی‌بهره نبوده‌اند، پس از ۳۰ خرداد نیز مسرود ساخت و تاز و هجرم‌های وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفتند، در همین رابطه اگر تا قبل از ۳۰ خرداد نیروهای انقلاب و تائیرات جنبش سراسری مانع از آن بود که رژیمن ارتجاعی جیبوری اسلامی بتواند به اهداف خود در کردستان دست یابد، اما پس از ۳۰ خرداد، یورش همه جانبه و برنامه‌ریزی شده توسط ارتش، سپاه، جاشهای محلی و مزدوران رنگارنگ به کردستان شدت یافت، خلق مصمم کرد و فرزندان دلیرش گر چه قربانیان بیشماری را متحمل شدند و رژیمن نیز توانست تا حدودی به مناطق آزاد تسلط یابد، اما با زهم مقاومت

ادامه یافت تا آنجا که مبارزات گسترشی در کردستان گواه این واقعیت است که رژیمن نتوانسته است علیرغم تسلط بر سرکوبهای وحشیانه چنین خلقی را به زیر سلطه جابرانه خود درآورد. مادر آستانه ششمین سالروز ۳۰ خرداد برای این باور که تنها با سازماندهی توده‌ها و یک قیام عظیمی سراسری تحت رهبری طبقه کارگر انقلاب به پیروزی خواهد رسید همچنان پای میفشیم و در این راه شامی توان و قدرت خود را بکارخواهیم گرفت و در مقابل شما می‌توانیم گریه‌ها و دوز و کلکهای بورژوازی و سراسر رنگارنگ آن که سعی در حفظ نظام موجود در اشکال مختلف آنرا دارند خواهیم ایستاد و آنچه که ما را در انجام رسالت یاری خواهد داد، نه‌دو بندهای پشت پرده و ریاکارانه، نه شانتاژ و شایعی و سابوتاژ و اتحاد سیاستهای مالموانه، که استقلال طبقاتی پرولتاریا و درک صحیح از تئوسندیهای انقلاب بر بنیاد برنامه‌ای منطبق بر خواست توده‌های زحمتکش، تا سرنگونی رژیمن جیبوری اسلامی و برقراری جیبوری دمکراتیک خلق است.



ورزشکستگی رژیم ۰۰۰

سپس در ادامه محبتهای خود به خدمات رژیم اشاره میکند و میبانی را که رژیم صرفاً احداث جاده و بهداشت و درمان و غیره نموده است به رخ زحمتکشان محله "بهارست" میکند، سعی میکند که با صلاح همخوانی دهد رژیم را به لحاظ مالی مطرح کند و هم آنکه بر سر توده ها منت گذارده و آنان را از طرح خواسته هایشان منصرف سازد، او میگوید: "جمهوری اسلامی هم اکنون در دورافتاده ترین شهرهای استان کردستان، اقدام به احداث جاده و تامین آب و برق مورد نیاز مردم پرداخته و هر روز که در کردستان میگذرد یک میلیون و دویست هزار تومان صرف بهداشت و درمان استان کردستان میشود..."

استاندار رشید کردستان، حتی سخنان چند وقت پیش نخست وزیر موسوی را در مورد بودجه سال ۶۵ فراموش کرده است. او بخاطر نمیآورد که چطور در بخش هزینه های جاری بودجه - بنا بر اذعان موسوی - هزینه های جنگی افزایش یافته است و لاجرم بیشترین فشار بر بودجه عمران وارد گردیده است، به عبارت دیگر، بهای افزایش بخش هزینه های جنگی از بودجه عمران کاسته شده است. نتایج عملی چنین وضعیتی، جز فشار باز هم بیشتر بر سطح زندگی توده ها، افزایش بیکیفاری و ازدیاد اشتغال انگلی در بخشهای سرکوب چیز دیگری نبوده است. رژیم جمهوری اسلامی، امروز حتی از صرف همان مبالغ سال گذشته برای "عمران و آبادی" مناطق عاجز است. اگر چه مشکل اساسی توده ها، مشکل اساسی خلق زحمتکش و قهرمان کرد، نه اختتام بودجه و از این قبیل، که مشکلاتی است ناشی از کلیت رژیم و سیاستهای او در کردستان و ماهیت بورژوازی آن، و عملی شدن خواستهای برحق زحمتکشان خلق کرد بطور لاینفکی در پیوند با نطفی تمامیت رژیم و سرنگونی آن قرار دارد.

اما آقای استاندار را کاری با این مسائل نیست او همچنین

مشکلات توده های زحمتکش محله "بهارست" شنید، که همچون زحمتکشان دیگر محلات مشابه از قبیل "مجبور آباد"، "جمال آباد" و غیره، مظاهر ستمگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بها شدت هر چه تمامتر برگرده. آنان سنگینی میکنند و زیر سایه این رژیم استثمارگر، به فقر و فلاکت کم سابقه ای سوق داده شده اند، کاری ندارند. سائلی از قبیل بیکاری، کمبود و گران، نبود ممکن، نبود بهداشت و درمان و شیوع بیماریهای گوناگون، که اهالی زحمتکش این محلات همه روزه از آن رنج برده و با آن دست به گریبانند، مشکلات زحمتکسانی که در بیخود هائی مرکب از چند قطعه پلاستیک و حلبی و غیره بر میپوشند، طبیعی است که مسئله امثال آقای تابش نباشد، این جیره خوار در ازای دریافت مواجبه بایستی به تحریف و تمجید رژیم، و سرکوب و تحمیل توده ها بپردازد.

توده های خلق کرد ما، لاف و گزافهای استاندار را باور ندارند، آنها بخوبی میدانند که سیستم درمانی رژیم در کردستان و از جمله در سنندج در خدمت کیست. همه میدانند که بیمارستان و درمانگاه و دیگر موسسات پزشکی و درمانی، در اختیار نیروهای سرکوبگر خود رژیم است و در اساس چنین مراکزی در خدمت نیروهای سرکوب توده ها است. همچنین مردم کردستان بخوبی میدانند که انگیزه امثال شما استاندار، از احداث جاده ها چه بوده است، آنان پس از بیش از هفت سال عمر نکبت با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این نکته را خیلی خوب دریافته اند که رژیم برای آنکه اهداف شوم و سیاستهای سرکوبگرانه خود را آسان تر پیش ببرد، اقدام به احداث جاده و "عمران و آبادی" های دیگری از این دست نموده است. روشن است که تا بس پایگاه ها و پادگانها، تغذیه و نگهداری آنها برای سرکوب خلق کرد، نیاز به اینگونه اقدامات شیزداشته است.

و اما آقای استاندار، پس از آنکه ساعتها در مورد عمران منطقه و بهداشت و غیره به دروغ پردازی و

عوام فریبی می بردارد، متوجه نمیشود که محبتهای او چندان هم قانع کننده نبوده است. تا باوری در چهره اهالی زحمتکش "بهارست" غلبه نمائمی هدیه های که از فرط اشتغال توسط استاندار عنوان شده است، کاملاً مشهود است چنین است که در ادامه سخنان خود میگوید: "مردم مسلمان ایران اثبات کرده اند که اگر چیزی هم برای خوردن نباشد حاضر نیستند آبسروی رسول الله را پیش استکبار ببرند، به همین دلیل در پیشگاه خدا مفتخرند که برای جلب رضایت او، عزت و عظمت اسلام به تبعیت از رسول گرامی اسلام در برابر توطئه های استکبار مقاومت کرده و با مشکلات ناخفته است" (همانجا - تاکید از ما است).

جناب استاندار بالاخره از این طریق روشن میکند که اوضاع آنطور هم که او گفته است، نیست و برخاسته اشکالات ناچیز نیز وجود دارد و فی السهل وضعیت مردم محله "بهارست" سنندج و بطور کلی عموم توده های کردستان تحت شرایط و فشارهای متعدد موجود، بدانگونه است که حتی ممکن است چیزی هم برای خوردن گیر نیایورند. البته همین جناب استاندار پیشتر از این نیز در یک گردهم آیی از مسئولین و امام جمعه های استان کردستان که در اواخر اردیبهشت ماه برگزار شد، ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت گفته بود که "دوره در پیش داریم، یا آنکه تسلیم استکبار شویم و تجاوز را نادیده بگیریم، که در این صورت با ما صلح خواهند کرد و در مقابل اسلام را از دست میدهیم، یا آنکه از خود صبر و استقامت نشان دهیم و با مشکلات و کمبودها سازیم..."

از اینها که بگیریم، جناب استاندار بالاخره در کمال وقاحت و پررویی و در عین آشکه از کتمان حقایق و لایوئانی کردن ورزشکستگی رژیم عاجز است، و همچنین بخاطر آنکه از درک و پاسخگویی به مسائل توده ها نیز ناتوان است و با حیثیات چنین نقش و وظیفه ای را ندارد، سه سادگی از آن میگذرد، و بدون کنترس در صفحه ۱۶

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

کومه له موش زائید! تا . . .

اقتار غیر پرولتری درهم ریخته و مخدوش سازند!

"ما (کومه له) مبتنا به کمونیست های متشکل در حزب کمونیست ایران، در چهار چوب برنامه، سیاست و استراتژی حزب که برنامه، سیاست و استراتژی طبقه کارگر آگاه ایران است، در جهت تحقق اهداف طبقه کارگر مبارزه ما را به پیش میبریم."

کومه له خیال پرداز، آن زمان که چشم های خود را فرومی بندد و در رویا و تخیلات شیرین برای خود ایجا دمشولیت میکند، خود را از هر کمونیستی، "کمونیست" ترجمه میدهد، "سیاست و استراتژی خود را، "سیاست و استراتژی طبقه کارگر ایران" میخواند و مدعی میشود که "در جهت تحقق اهداف طبقه کارگر مبارزه را به پیش میبرد! در یک چنین مواقعی، کومه له از جمله پردازهای آتشین خسته نمیشود، و همچون پهلوانی بی حمت، "مبارزه اش" را به پیش میبرد و همه چیز، بیرون مراد است! آری کومه له در واقع فقط در همان عرصه پندار بانی و اوهام برنامه طبقه کارگر را به پیش میبرد، طبقه کارگر را متحد میکند و به مثابه یک "کمونیست" میخواند و پرزوازی را نیز سرنگون سازد و از آن بهر آنکه قدرت سیاسی را نیز بدست گرفته و "جامعه سوسیالیستی" را نیز بنا کند! او میگوید: "وظیفه کمونیست ها آگاه کردن و متحد ساختن طبقه کارگر برای سرنگونی پرزوازی، بدست گرفتن قدرت سیاسی و بنای جامعه سوسیالیستی است."

تا اینجا هیچکس جلودار کومه له نیست، او نشسته بر بالای خیال به هر جاکه میل دارد سر میگذارد، یک شبه کمونیست میشود و در یک چشم بیهوشم زدن "حزب کمونیست" میسازد و از تحقق اهداف طبقه کارگر نیز صحبت میکند! عجیب تر آنکه، شما بینه دهقانان کردستان که هیچ اعتقادی به سوسیالیسم ندارد، مگر سوسیالیسم از نوع مورد نظر خود، یعنی سوسیالیسم درختی! - به یاد جامعه

سوسیالیستی نیز می افتد، ماکه پیش از این با نقد موافق کومه له و متحدان و پیروان مه بورژوا - رفرمیستی آنان، بسی اعتقادی شان را به سوسیالیسم اثبات نموده ایم، در ادامه همین مقاله نیز روشن خواهیم ساخت که این مدعیان دروغین مارکسیسم که سنگ طبقه کارگر را به سینه میزنند تا چه حد به سوسیالیسم اعتقاد دارند، بهر حال چنین است وضع کومه له در عرصه رویا و جمله پردازیهایی شبه انقلابی! کومه له سوسیالیست تخیلی ما، جز این چه میتواند بکند؟ کومه له، این "کمونیست" دو آتشه اما آنگاه که چشم های خمار آلود خود را به هم می مالد و زحمت باز کردن آنرا بخود میدهد و خلاصه نگاهی به اطراف خود انداخته و لغتی از فراز ایرها پاشیسن آمده و پای خود را بر روی زمین سفت نمیشد، فقط یک اشکال کوچک و مختصر بر سر راه او تولید میشود، کومه له، "کمونیست" که ظاهرا در راه تحقق اهداف طبقه کارگر "مبارزه" را "پیش" میبرد تا گمان به مشکل بر میخورد، صحبت کومه له را ادا مدحیم تا ببینیم این اشکال کوچک چیست؟ او میگوید:

"لیکن جنگا میکه به عرصه کار و پرزوه خود - به مثابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - میبرد ازیم، با جنبش دمکراتیک و ملی و پرولتری که طبقه کارگر و زحمتکشان کردستان در آن دخیل و ذینفع اند و ما به مثابه پیشروان طبقه کارگر موظف هستیم تا این جنبش را به گونه ای هدایت و رهبری نمائیم که منافع طبقه کارگر را (که منافع وسیعترین اقشار توده های زحمتکش نیز میباشد) متحقق سازد و کارگران و زحمتکشان کردستان و ایران را در مساعدترین حالت برای رسیدن به اهداف خود قرار دهد."

کومه له با فراست ما، با تیزهوشی دانشمندانهای، آنچنان به ردیف کردن پشت سر هم کردن کلمات و جملات کلی-مسی پرداختد، تا سرانجام هیچ چیز و شناسی نگفته باشد، کومه له از حق نباید گذشت، در این زمینه مبارت زیادی نیز به خرج داده است، کومه له با شرم خاصی از ناتوانی یک خرده بورژوا، در پس این الفاظ کلی و سی مندار، کوشیده است تا دوری خود را از طبقه کارگر ایران در عالم واقعی را توجیه نموده و سبب جانشین

ساختن دهقانان کردستان - پس از کمی آرامش - بجای این طبقه، این نقیصه را جبران کند، و همچنین تلاش نموده است، تا مبارزه کم عمق و محدود خود در چار چوب مسئله ملی را، همان مبارزه ریشه ای و پیر دامنه طبقه کارگر جلوه دهد.

و اما قطع نظرا ز کلی باقی هستی همیشگی که در اینجا نیز با وضوح شمس انکسار یافته است، کومه له خود را موظف دیده است تا جنبش را "به گونه ای" هدایت کند که هم "کارگران و زحمتکشان کردستان" و هم "کارگران و زحمتکشان ایران" در مساعدترین حالت برای رسیدن به اهداف خود قرار گیرند! ما فعلا روی اینکس این "شرایط مساعد" چیست؟ و کومه له چگونه و با چه ابزاری میخواهد آنرا فراهم کند، و یا آنکس منظور او از "به گونه ای" چیست؟ و چه گونه ایست؟! بحثی نمیکشیم و این کومه له فرقه گرا، در همین جملات کوتاه، تلاش های خود را برای ایجا دنیای وسیع اعتمادی میان کارگران ایران، آنکس را برملا ساخته است، کومه له، این فدرالیست نیمه خجول؟ میخراشد، یکبار برای کارگران ایران منهار کوشش "شرایط مساعد" را فراهم کند و بگوید: "برای کارگران و زحمتکشان کردستان، او که برای خرابکاری در امور و حاکمات پرولتاریا عزم جزم کرده و به ترویج ایده های بورژوازی اشتهام میبرد با جدا کردن کارگران کردستان، از کل طبقه کارگر ایران، در عین بدست دادن ناسیونال لیبرالیسم کشیده میشود و در طبقه کارگر را با چنین ایده هایی مشرب میسازد، کومه له از "کارگران و زحمتکشان کردستان" و "ایران" آنچنان سخن میگوید که تو گوئی کارگران کردستان ایرانی نیستند! تو گوئی کارگران کردستان استعمار نمیشوند، تو گوئی کارگر مورد بگیر برایش تفاوت میکند که کدام پرزوا او را استعمار میکند؟! خیر چنانچه کومه له برای کارگران کردستان تفادوشی دارد که استعمار کننده عمده آنها پرولتاریا فارس است یا پرزوا زی کرد، و نه کارایان منحل ناسیونالیستی شما که در - من متفادای منافع طبقه کارگر ایران است، راه بجایش خواهد برد، ناسیونالیسم تنگ نظران شما البته میبایستی با در سادت

کوه کومه له موش زانید! تا . . .

با سخ دندنان شکن، افشا و طرد شود، سیاست پرولتری که در تحکیم بخشیدن به وحدت و یگانگی پرولتاریا به مثابه یک طبقه تلیه طبقه سرمایه دار تجلی می یابد، حکم میکند که مبارزه علیه سرمایه توأم با مبارزه علیه هرگونه توهّم پراکنی ناسیونالیستی باشد. "منافع طبقه کارگر و مبارزه وی بر فرد سرمایه داری چنانست ایجاب میکند که کارگران کلیه ملل همبستگی کامل و بهم فشرده ترین وحدت را داشته باشند و به سیاست ناسیونالیستی بورژوازی از هر ملیتی که باشد جواب دندان شکن بدهند." (لنین - دربار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش) .

و اما برگردیم بر سر اصل مطلب، گفتیم که کومه له آتشین مزاج و خبال پر دانه جنگا می که با واقعیات سر سخت زندگی مبارزاتی مواجه میشود، خود را بهتر می نمایاند، و گفتیم که در عرصه خیال و اوام، همه چیز، همانطور است که کومه له میخواهد، "لیکن" (این "لیکن" بقول لنین همان "لیکن" است که با "اما" میخوردن که میگوید "گوشا با لاترا زبیشانی نمیروید که نمیروید مطابقت دارد) در عرصه کار و پژوهش، اشکال مختصری نیز وجود دارد، همین اشکال کوچک، یعنی عرصه عمل واقعی و آنجا که نقش و ماهیت حقیقی کومه له بر زمینه آن امکان بروز یافته و عیان میشود، جایگاه واقعی او را نیز تعیین میکند، و موجب آن میگردد تا کومه له بطور موقت هم که شده دست از سر طبقه کارگر بردارد و به همان چهار چوب منافع محدود خود در کردستان بپنبد. در واقع این عرصه عمل واقعی - و نه حوزه لغت پراکنی و جمله پردازیهای شبه انقلابی - قوی تر از هرگونه پنداری، راه را بر آثار تخیلات بسپوده و سد میکند و راه سرچایش می نشاند! حقیقت آنست که کومه له را در همان "رسمه کار و پژوهش" باید شناخت و حقیقت دیگر آنست که کومه له نیز در همین عرصه است که واقعیت ماهوی خود را روشن نموده است. براساس مبنا کومه له آن سازمان محلی (کرد) است و همانطور عمل میکند که ما بجا باید بکنیم و به همان درجه و "ندان گونه" در جنبش دیکراسک و ملی "ترکت محبوه که چار -

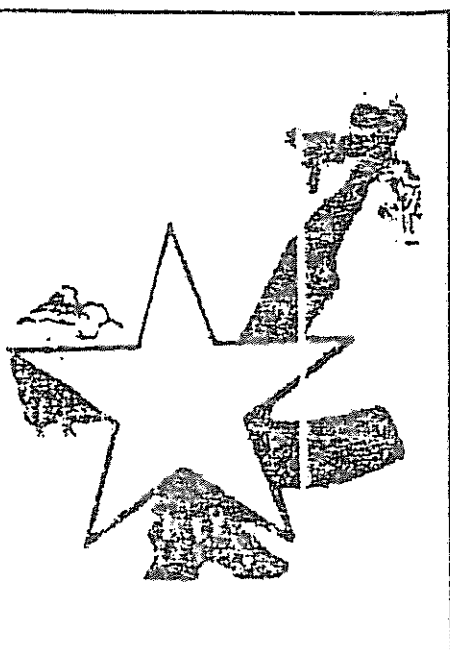
چوب ستاف تنگ و محدود به او اجازه میدهد. کومه له، که در اساس امر ملی و مسئله کردستان برای همبستگی دارد و دانش عملگر و تفکر و نیز در مجموع از همین ستاف تنگ قرار توئمیرود، با مطرح نمودن عبادت غیر صریحی از این دست که "جمعیت میبایست کنگره" کومه له مشحون از آن است، در واقع امر ناسیونالیسم خود را به مثابه یکی از ویژگیهای سازمان محلی آشکارا تر میکند. کومه له با چنگ اندازی به "عرصه کار و پژوهش" خود "واستانتا جاتی که از این طریق بآن دست یافته و ترویج میکند، میگوید تا هم "سوسیالیست" باشد تا هم آنست که ناسیونالیست بماند، و اما محدودش نمودن قانونسندیهای عام مبارزه طبقه ای، با توسل به "عرصه کار و پژوهش" و "پای زبیر پوش تشوری شرا یسط" خاص چیزی جز یک ایده خورده بورژوازی نیست و تلاش کومه له جهت انطباق سوسیالیسم با ناسیونالیسم، جز تکرار نسخه های کهنه شده سونیستهای روسی از زبان کومه له، چیز دیگری نمیتواند باشد.

کومه له در چنگال تناقضات بی انتهای بیچ و تاب میخورد، و نه تنها قادر به خلاصی از چنگال این تناقضات نیست، بلکه با حرکت از نقطه نظرات مین منافع خود - بورژوازی خود، دانشا در یک دور باطل گنج میخورد، و از طرفی با تمام وجود یکجریان محلی ناسیونالیست است و از طرف دیگر، خود را "کونیست" میدانند و از آن میترسند خود را "حزب کونیست" هم میخوانند، و برای آنکه این دعای پوچ خود را نیز ثابت کند، با رجم به جمله پردازی روی میآورد و بدین جنش سراسری و غیره نیز گریز میزند تا هر چه بیشتر با ملاحظه تعلق خاطر خود را به طبقه کارگر نشان دهد، اما از انقبالی بد کومه له، این گریز نه تنها تلاشی و راه جهت آنست که دیگران او را به "کونیست" بودن و علی الخصوص "حزب کونیست" بودن باور کنند به جایی نمیرساند، بلکه برعکس، همانند آنکه این تئوریهای عبت جنبه های صریحتری بخود میگیرد، به همان میزان مشت کومه له بیشتر بازمیشود و او را رسا تر میسازد. از همینرو است که کمیته مرکزی کومه له که وظیفه نگارش "جمعیت" بحث های کنگره را تقبل نموده است، از همان آغاز به تناقض کوشی میافتد! کومه له که خود کنگره ای مجزا گذاشته است و کمیته مرکزی جداگانه ای انتخاب نموده است، خود اشکال کتیک می کشد و خود برنامه خود مختاری

میدهد و سرانجام همه این موارد را نیز خود "جمعیت" کرده و با نام خود ارائه میدهد، معتقد است (؟) که چنانچه موازین مطروحه در "جمعیت" در کنار سیاست های صرمی حزب قرار نگیرد، جایگاه واقعی خود را ندارد! و یعنی اینکه با در هوا است؟! او میگوید: "... این مباحث در واقع باید در کنار مباحث کنگره دوم حزب کونیست ایران و سیاستهای عمومی حزب قرار گیرد، تا جایگاه واقعی خود را بیابد."

آیا کسی پیدا میشود که این سخنان کومه را باور کند؟ خود کومه له با اعتقاد به آنچه گفته است دارد و مهمترین آن اینست که عمل میکند؟ کومه له ای که با نام و مشخات خود داخل حزب باقی مانده است و خواستار اینست که در کلیه مسائل استقلال عمل داشته باشد و در عرصه پراکتیک شماره سعی در پیشبرد سیاستها و تالیلات خود داشته است، و در عرصه تشکیلات، مختاریت تشکیلاتی را تا آن حد پیش برده است که خود مختاری کردستان را تا حد خود مختاری خود، در درون "حزب کونیست" شمیم داده است! با لاف و لفظا هم که شده، باید دل سپند را بدست آورد! چنین است که "مباحث کنگره کومه له" در کنار مباحث کنگره سپند جایگاه واقعی خود را میباید! کومه له تناقض گوی و سر در گم در عمل، حرف خود را پیش برده است، در حرف به مباحث کنگره سپند اعتبار میبخشد!

(ادامه دارد)



حزب دمکرات و ...

ترین وجهی مضمون "دمکراسی" و "خود مختاری" آنرا بیان ساخت.

دوست "مهم و تاریخی" برنامه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی و "طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان" مجاهدین خلق قباله معتبری گشت تا حزب دمکرات بتواند با کشته دهستی عرصه وسیعتری را در معادلات سیاسی بازپدید بصرحاً آنچه هم اینک مهم است بر خلاف داعیه حزب دمکرات چه در داخل و خارج شورای ملی مقاومت، تلاشهای حزب دمکرات برای تشکیل جبهه بی نتیجه نبوده است.

حزب دمکرات در شورای ملی مجاهدین خلق، "جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی" اثر را محک زد تا اینکه در جریان گفتگوهای پنهانی و آشکار خود با "نزیه" و "مدنی" دریافت رجوعی از آنچنان کیاستی برخوردار هست که امکان برای فعالیت وسیع ترو منطقی تر در شورای مجاهدین برای و باقی نگذارد. مگر در محدوده "خودگردانی" اهدافی مجاهدین به "اکراد" و تبعیت بی چون و چرای آنان از بوروکراتیسم رنگ و لعاب زده دولت موقت. به همین لحاظ پس از "چهار سال کوشش" در "شرایط نامساعدی" تا چارای حزب دمکرات شورا را ترک نمود.

و امروز با سر خوردگی میگوید: "پس از انقلاب، اینک چندین سال از تلاشهای حزب دمکرات برای تشکیل جبهه میگردد" اهمیت و قوت "جبهه" حزب دمکرات را بیاد شرایط سرنگونی شاه انداخته و او مینویسد:

"اما تا موقع قترهای مختلف جامعه در برابر ایران برای سرنگونی شاه بپا خاستند، لیکن چون هدف مشترک آنها سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود و پس برای جانشینی آن طرح مشخصی وجود نداشت و گامی عملی برداشته نشده بود... این بار هدف هم سرنگونی رژیم خمینی و هم نامسألترنا تیبو با برنامه مشخص پس از سرنگونی شاه."

این واقعیتی است انکارنا پذیر که در جریان قیام ۵۷ اقشار و طبقات جامعه در برابر ایران "همه با هم" برای سرنگونی شاه بپا خاستند و در شرایط

مساعده که توده ها در شورا نگیختگی قیام ارگان نظام سرمایه داری را تا ماچپورش قرار میدادند بورژوازی با شمارهای وحدت طلبانه برای مواج جنبش سوار گردید و در فقدان یک آلترنا تیبو دمکرات است و انقلابی به قدرت خزید و اینبار برخلاف گذشته قطعا امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با "نامین آلترنا تیبو با برنامه مشخص" توأم خواهد گردید، لیکن حزب دمکرات نیز باید بداند، آگاه شود و روشها سیاسی توده ها و تشدیدتصادمات حاد طبقاتی، شالوده "منافع متحد" و "وحدت کلمه" "همه با هم" قشار و طبقات جامعه را برهم ریخته است. اینبار اما اقتضای طبقات جامعه به صف آراییی پرداخته اند و در بر تو میارزه حاد طبقاتی جایگاه واقعی خود را یافته اند. و میبایست آن آلترنا تیبو با برنامه مشخص که جایگزین رژیم حاکم میگردد فقط و فقط ترجمان خواستهای توده های انقلابی باشد. آلترنا تیبوی که نماینده و حافظ منافع طبقاتی کارگران و زمینکنان باشد.

حزب دمکرات دور اندیش میگوید: "پس از سرنگونی رژیم خمینی دو حالت بیشتر وجود نخواهد داشت: "بنظر حزب دمکرات در حالت اول از آنجا که با کسب قدرت سیاسی توسط یک نیرو، دیکتاتوری برقرار میگردد، کشور به سوی جنگ داخلی سوق خواهد یافت، پس برای برقراری یک حالت متعارف، با توجه به تناسب نیروها "و برای محفوظ داشتن ایران از خطر جنگ و تجزیه آن، "نامین دمکراسی و استقرار پهلورالیم سیاسی" لازم است، و اضافه میکند:

"نامین چنین پهلورالیمی هنگامی ممکن خواهد بود که نیروی متشکل و پیوسته نفوذی قدم به محته سیاسی کشور بگذارد چنین نیروی جزییه مشترک همه دمکراتها و نیروهای اصیل و انقلابی و ملی نمیتواند باشد. اما اهداف برنامه "جبهه" و نیروهای مورد نظر حزب دمکرات محتوای واقعی آنرا بیان میازد.

بورژوازی اگر در شرایط خود ویژه قیام ۵۷، در میان اوها م وحدت گرایانه در بین وسیعترین بخش توده ها با "نفی" شاه انقلاب را نیز پایان یافته اعلام داشت، در مدد برآمد تا از تعمیق و گسترش مبارزات توده ها جلوگیری بعمل آورد با حفظ نظام سرمایه داری جهت تحکیم آن نیز بکوشد. اکنون حزب دمکرات "جبهه" اش را بعنوان بدیل رژیم خمینی

علم کرده و میخواهد "دمکراسی و پهلورا - لیم سیاسی" را برقرار کند، حزب دمکرات قصد دارد تا در این "جبهه" و در سایه اهداف پنهانی سرمایه داری و منافع آن در خدمت آن به مخدوش نمودن منافع و اهداف طبقات متفاد و پرداخته تا به تمامایات "وحدت طلبانه و آشتی جویانه" خود چاه عمل بپوشاند و از این طریق بر اهداف انقلاب آتی مبارزه و با تکیه بر شالوده نظام حاکم، دامنه مبارزات توده ها را محدود ساخته و با ردیگر با طرح ایده آل های بورژوازی، مناسبات سرمایه داری را از زیر شرب خارج نماید.

اما این که نیروهای مورد نظر حزب دمکرات از چه ماهیتی برخوردارند، از کدام سیاست و برنامه پیروی می نمایند در صف بندی انقلاب و ضد انقلاب، کدام سو قرار گرفته اند و همچون گذشته آنها را مد نظر قرار میدهم.

حزب دمکرات در حالیکه عملکردهای خود دمکراتیکش را شامل حال سازمانهای انقلابی در کردستان قرار داده رهبری "پیشقدم" حزب را موكلف نموده تا به منظور تحکیم هر چه بیشتر روابط دوستانه و گسترش همکاری با نیروهای "میهن پرست" به معنای خود ادامه دهد و دیرباز حزب تصریح نمود که برای متحد شدن "اپوزیسیون ایران" در یک چارچوب وسیع ترو منطقی تر از سابق حتی بختیار اگر علنا از سلطنت طلبان فاصله بگیرد، ممکن است با وی همکاری کرد.

حزب دمکرات اما یک شرط برای بختیار و همسالگهایش قرار داده، پذیرش شعار اساسی حزب، یعنی "دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان" قدمی که در جهت طرد اپوزیسیون سلطنت طلب برداشته خواهد شد.

حزب دمکرات که بقول خودش دهها سال برای تحقق شعار استراتژیکش مبارزه میکند، میبایست نقطه استکاشی داشته باشد که پذیرش شعار خود را از سوی یک "تشکل وسیع تر" (بخوان اپوزیسیون بورژوازی روی بر

نافته از سلطنت با بورژوازی جمهوری خواه) را متضمن دمکراتیک بودن جبهه اش و قدمی در جهت طرد اپوزیسیون سلطنت طلب میداند و خواستهای تاریخی خلق کرد را در چارچوب نظامی که "پهلورالیم سیاسی" بر آن دلالت دارد و شرط ضروری

حزب دمکرات و ...

آن بر پایه چنین جبهه مشترکی بنا خواهد گشت را قابل تحقق میداند. البته طبیعی است که حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی خود نمیتواند درکی از این فرا تراز خواستها و مطالبات برحق و تاریخی خلق کرد داشته باشد و همین اساس است که در هر زمان این یا آن جبهه و یا آلترا تئو شاعران را ترا تئو یک حزب دمکرات را متحقق میگردداند.

همانطور که حزب میگوید: "همچنین حزب ما آمادگی کامل دارد در برابر نام و طرز فرموله کردن و هدیه و شیوه تشکیل جبهه با نیروهای ملاحیت دار وارد مذاکره شود."

و همچنین: حزب دمکرات در شرایط حاکم کنونی یکبار دیگر تشکیل چنین جبهه ای را به همه نیروهای جمهوری خواهد دمکراتیک پیشنهاد میکند. همانطور که در مضیقات کنسره هفتم حزب دمکرات نمایان است شرکت کنندگان در کنسره با اشتراک رای بر سیاستهای قبل از کنسره حزب نسبت به نیروهای سیاسی صحه گذاردند. سیاست حزب دمکرات در مقابل نیروهای چون کومله که در خصومت و جنگ با حزب قرار دارند، نیروهای که مخالف حزبند ولی چون کومله نیروهای حزب را مورد تعرض قرار نمیدهند و نیروهایی که سیاستهای حزب را می پذیرند و حاضرند با آن روابط دوستانه داشته باشند را تشبیه کرد. آنچه که آشکارا است اینگونه سیاست حزب دمکرات که آشکارا منافات با مصالح جنبش انقلابی و نائی حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی است تغییر نکرده است. پس علاوه بر نیروهای موجود در "ابوزیسیون ایران" و باندهای رنگارنگ بورژوازی همچون نژبه و مدنی و بختیار و آباطیف "نیروهای جمهوریخواه" و دمکراتیک "دربرگیرنده کدام حزب یا سازمان سیاسی است؟

براستی چرا حزب دمکرات از همه این نیروهای امیل ایرانی که سلطنت را مدفون و مزدود میدانند و رژیم خمینی را تنگ بزرگی برای ایران تلقی میکنند و در راه سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه برخاسته اند و حزب نیز حاضر به مشورت و مذاکره برای تدارک زمینه تشکیل جبهه مشترک با آنها نیست ناشی شمرده است.

آیا حزب دمکرات "ممشول" این چنین خجولانه راه را برای پیوستن حزب رسوا و ضد انقلابی ننموده و اکثریت خائن در جبهه "دمکراتیک فدائری لیستی" باز نگذاشته است.

حزب توده امروز از یکم دیگر نه به سلطنت "مدفون و مزدود" ذی علاقه است و نه رژیم خمینی را افتخار میداند! و از سویی دیگر خود از طرفداران پروپا قرص تشکیل جبهه و اتحاد بین "نیروهای شرقی ابوزیسیون" میدانند.

حزب توده و اکثریت میگویند: "ما معتقدیم علیرغم تمام دشواریها، اختلاف نظرها و مشکلاتی که در راه تشکیل چنین جبهه ای وجود دارد، باید با تمام قوا برای ایجاد آن کوشید. اختلافات موجود نباید مانع همکاری در لحظاتی سرنوشت ساز کنونی باشد."

و حزب دمکرات پاسخ میدهد: "بنا بر حزب دمکرات اهمیت تشکیل جبهه بسیار بیشتر از آنست که با فشاری برنام مو با طرز فرموله کردن هدفها و یا اصرار بر برداشتن گامهای معینی در آغاز، مانع پیشروی بسوی تشکیل جبهه گردد."

حزب توده نیز امروز با چادر چرخه ابوزیسیون قرار گرفته است از همین رو "مشورت و مذاکره" یا این حزب نیز که شعار سرنگونی را در دستور قرار داده است خالی از نتیجه نیست.

اتفاقا حزب توده نیز بزم خودش "خط مشی سیاسی و اهداف استراتژیکش" را "در شرایط دشوار فوق العاده بفرنج" سالهای پس از انقلاب متوجه تحقق آماجای مردمی و نهاد امپریالیستی و تامین تداوم انقلاب نموده است و امروز خواها روزی برای آینده ایران است که "از نظر شکل جمهوری و از نظر مضمون

ملی - دمکراتیک باشد."

بین چه فرق اساسی اهداف و پایه های "جبهه متحد خلق" حزب توده با "جبهه دمکراتیک فدائری لیستی" حزب دمکرات را از یکدیگر مجزا خواهد ساخت. صرف نظر از نام و طرز فرموله کردن هدفها که حزب دمکرات برای مذاکره حول آنان اعلام آمادگی نموده است و حزب توده فضا اذعان به اینکه: "برخی از سازمانهای مشرقی و دمکراتیک دربار سیاست ما نظراتی داشته اند و دارند. ما هم متقابلا در باره سیاستهای آنها نظراتی داریم." اما بر عطف توجه به لحظات سرنوشت ساز کنونی تاکید دارد. ما هیتا هر دو جبهه یکسوی هستند.

هنگامیکه در آمی ترین و حساس ترین مفاصل بین چنین مشترکی بین حزب توده و حزب دمکرات ایجا دگشت است، بدیهی است که آنان در مسائل تاکتیکی نیز با هم به راحتی کنار نیایند! اگر حزب توده (با مراحت) در انتخاب تاکتیکها تهر میز و مساحه فنا قدر گونه جوهری است، اما حزب دمکرات علیرغم اعتقاد خود به مبارزه مسلحانه به همه اشکال مبارزه مسلحانه آمیز از مقاومت و مدنی گرفته تا تظاهرات و اعتصاب ارج میبندد. در اینصورت روشن است که با این اعتقاد آخرین موانع احتمالی نیز برای این اشتلاف زایل خواهد گشت!

حزب دمکرات تصریح کرده است، هر سازمان یا نیروی اگر اهداف جبهه دمکراتیک فدائری لیستی را بپذیرد میتواند در آن، بپیوندد. حزب دمکرات این اهداف را در ۴ بند فرموله نموده است. با یک نگاه به این اهداف محتوای "جبهه" عیا میگردد. بی تردید این اهداف بیان موجز شعار استراتژیک حزب دمکرات کردستان است و بشکلی فشرده ای خواستها و تمایلات طبقاتی آن و متغلیش آنها را بر ملا میازد.

در بند اول شعار "سرنگونی" رژیم جمهوری اسلامی طرح گردیده است و با برقراری جمهوری مستقل، دمکراتیک سخن بسبان آمده است. و اولاً تاکنون درک حزب دمکرات از مسئله "سرنگونی" بطور عام و عمیق اعتقاد دوی به "سرنگونی رژیم

و لبر طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

زنده باد همبستگی خلقها . . .

فروکش نمود ما از آن پس آغازوند اوم
جنگ دولتمین ایران و عراق تاثيرات
مهمی در محدودیت دامنه آن داشته است.
گسترش خطوط جبهه‌ای جنگ در
خوزستان، انهدام مراکز نفتی و بنادر
تجاری و موسسات و کارخانه‌ها، رکود
بخشهای تولیدی و پروژه‌های عمرانی در
منطقه و بیکاری و آوارگی‌مدها هزارتن
از کارگران و زحمتکشان، ناآرامی و
کارمندان دولتی، و پراکندگی آنان در
مناطق دیگر و گشتار جمعیت کشیری از
ساکنین شهرها و روستاها نمیتوانست
منجر به این تضعیف نگردد.

رژیم جمهوری اسلامی که با چنگ
سرکوب انقلاب را دنبال مینمود، با
تبلیغات اولیه و انحراف ذهنیت‌شده‌ها
موجی از "دفاع طلبی" را در بین توده‌های
مردم دامنه زد، ولی با گذشت مدت زمانی
کوتاه علاوه بر سرکوب و وحشیانه رژیم
و فشار ناشی از بحران اقتصادی، گشتار
ویرانی و فقر و فلاکت و آوارگی ماهیت
ارتجاعی آن در انتظار توده‌ها بر مولا
گشت.

توهم توده‌های دفاع طلب به سرعت
فرو ریخته آنان به عینه دریا افتد که در

جنگ میان سرمایه‌داران هیچ منافعی
ندارند، کارگران و زحمتکشان نمیتوانند
از همین سرمایه‌داران بدفاع برخیزند
و منافع آنان در سرنگونی رژیم بورژوازی
است. پس از همین رو است که تاکنون
گرایش ضد جنگ و ضد رژیم توده‌ها در
یک راستا شیوع یافته و در هر زمان
انفجار و میعان توده‌ای حول خواستها
و مطالبات دمکراتیک و انقلابی واحدی
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران رابه
حرکت در خواهد آورد. و با لاف‌ها کارگران
و زحمتکشان خلق غرب سرنوشتی جدا از
سایر خلقهای ایران نداشته و در جنبش
عمومی توده‌ای و جنبش طبقه کارگر
شریک و دینفسند، خلق عرب نیز طبعی
سالیان گذشته از طرف همان دستگاه
دولتی بورژوازی تحت ستمگری قرار
گرفته است که دیگر خلقها.

دستگاهی که بورژوازی از سبزو
نیام کوشید تا با تحکیم دو پایه اساسی آن
یعنی ارتش و بوروکراسی که تضمین‌کننده
ستمگری طبقاتی و ملی است به حاکمیت
غارت و جپاول خودتداوم بخشد، دستگاهی
که شرط وجودی آن تافلی کلیه حقوق و
آزادیهای فردی و اجتماعی و مطالبات
دمکراتیک کارگران و زحمتکشان است.
پس از هفت سال ستمگری، جنگ و
سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، تنها یک راه
در مقابل توده‌های ستمدیده ایران
قرار دارد. سرنگونی رژیم جمهوری -

اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک
خلق. تنها با یک قیام مسلحانه
سراسری. درهم شکستن دستگاه ارتش و
بوروکراسی و برقراری یک دمکراسی
توده‌ای تحت رهبری طبقه کارگر خواستها
و مطالبات دمکراتیک تحقق خواهد یافت.
طبقه کارگر در مبارزه‌اش علیه
نظام سرمایه‌داری، این عامل ششم و
استثمار و برای تسریع در انجام تحولات
اساسی در جامعه، حق تعیین سرنوشت و
حق جدایی همه خلقها را برسمیت می‌شناسد.
در مقابل اعمال ستمگری طبقاتی -
ملی و نظمت طلبی بورژوازی حاکم
کارگران آگاه و کمونیست متعلق به
ملیتهای مختلف موظفند تا ضمن ترویج
و اشاعه روح برابری و برادری ملی
در میان توده کارگران، همبستگی میان
خلقها و اشتراک منافع آنان را بسازند
پرولتاریای سراسر ایران تبلیغ نمایند
و قدرت و شایستگی طبقه کارگر بعنوان
یگانه نیروی حقیقتا و ناباخر انقلابی
و مبنای نیروی رهبری‌کننده انقلاب را
در عرصه مبارزه طبقاتی بنمایانند.
لازمه حصول پیروزی در این مرحله
از انقلاب ایران بر بورژوازی و اخراج
موفقیت برای درهم شکستن عامل ستمگری،
و جدت و اتحاد کلیه کارگران و زحمتکشان
خلقهای تحت ستم ایران است. زنده باد
همبستگی مبارزاتی خلقها.

جنگ، معضل رژیم . . .

برلند جنگ، از سوئی، برانگیختن اعتراضات
توده‌ای از سوی دیگر، جمهوری اسلامی اما
همانطور که تاکنون مشخص شده است،
نخواهد توانست ازین بست جنگ بیرون
آید، تلاشهای جدید او، بندهای راکه بر
دست و پایش بسته شده است محکم تر خواهد
کرد. و خامت اوضاع رژیم از آنچنان عمق
و دامنه‌ای سرخوردار است که همه و هر
کوسه انزاری در دست او برای تعدیل
این اوضاع بی شرمی ماند.
توده‌های مردم کردستان اما در
این میان هیچ منفعتی از این جنگ

و ادامه آن نداشته و ندارند. آنان
می‌بایستی صفوف خود را علیه سیاستهای
جنگ طلبانه و سرکوبگرانه رژیم هرچه
فشرده‌تر ساخته و مبارزات خود را بطور
متحد و یکپارچه پیش ببرند، بر دامنه
اعتراضات خود علیه رژیم بیاورایند
و تسلیم خواستها و نقشه‌های مزدوران
نگردند، خلق کرد می‌بایستی با حفظ
هوشیاری، فوییکاریهای عمال رژیم را
بر ملا ساخته، آنان را بیش از پیش رسوا
سازند.

چند سال ادامه جنگ ارتجاعی
ایران و عراق و بازتاب آن در کردستان،
تنها نتیجه‌اش سرکوب، گشتار، ویرانی
آوارگی و در بدری، فقر، گرانی و بیکاری
و دهها مصیبت اجتماعی دیگر بوده است.
خلق قهرمان کرد دریافت کرده است که منافع

اونه در ادامه جنگ ارتجاعی و نه در صلح
مورد دلخواه بورژوازی است! - برای
پایان بخشیدن بداین جنگ ارتجاعی
و دستیابی به یک صلح دمکراتیک که
تا مین گشوده منافع تمامی خلقهای
سراسر ایران و از جمله خلق مبارز کرد
است، جز قیام مسلحانه سراسری
و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی راه دیگری
وجود ندارد، تنها راه تبدیل جنسیت
ارتجاعی به جنگ داخلی است رزحمتکشان
خلق کرد می‌بایستی برایین مسیله،
مبارزات خود را در راستای مبارزات
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران بر
علیه رژیم شدت بخشد.
سی شک پیروزی از آن توده‌های
انقلابی است.

ورسکتگی رژیم و . . .

احساس ناراحتی، ازتوده‌ها می‌خواهد کدبا مشکلات و کمبودها بسازند و در مقابل تمام فشارها و سنگریه‌های رژیم دم برشیاورند، اما در همان حال شدیداً نگران "تبروی رسول الله" است. نامبرده ازتوده‌ها می‌خواهد که بجای کار و مسکن و غذا و غیره، به جلب رضایت خدا مشغول باشند و قدر "عزت و عظمت اسلام" را بدانند و خلاصه تکم‌های گرسنه خود را با الفاظ و ذکر و صلوات سیرکنند! و اما خلق مبارز کرد دیگر

مدتهاست که رژیم را شناخته است، سالها است که مبارزات او برای کسب حق تعیین سرنوشت، از جانب رژیم ارتجاعی مورد خشن ترین سرکوبها واقع گشته است و امروز نیز بیش از هر زمان دیگری در معرض فشار سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی این رژیم و محاسباتی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق قرار گرفته است. رژیم استثمارگر جمهوری اسلامی، طی بیش از هفت سال کوشیده است تا با سرکوب توأم با وعده و با تحمیل توده‌ها، کردستان را به نقطه‌ای امن برای خود و عرصه‌ای برای پیشبرد اهداف ارتجاعی اش تبدیل کند. زحمتکشان خلق کرد را از طرح خواستهای خود بازدارد و مبارزات

آنان را محدود و مهار کند و نهایتاً جنبش انقلابی خلق کرد را نابود سازد. اما رژیم و علی‌الخصوص سرمداران او همچون استانیان کردستان نیز طی سالها مبارزه انقلابی خلق کرد، با یستی دریا فته باشند گند سیاستهای سرکوبگرانه آنان و با در پیش گرفتن شیوه‌های خدعه آمیز و ریاکارانه، نه تنها کمترین خللی در اراده رزمجویانه خلق ستمدیده کرد وارد نکرده است، بلکه آنان هر روز با کسب آگاهی بیشتر و با عزمی زاسختر، برخواستهای عادلانه و انقلابی خودپای نهاده و با ادامه و تشدید مبارزه علیه رژیم، سرانجام پاسخ همه ستکریه‌ها و فریب کاریهای او را خواهند داد.

پیویان

شکستنده انقلاب . . .

است که بر اصل تشکیل حزب طبقه کارگر و سازماندهی این طبقه پای می‌نهد. امروز، در شرایطی یاد رفیق کبیر امیر پرویز بویان را گرامی میداریم که بیش از ۱۴ سال از شهادت او می‌گذرد و سازمان رزمنده او، در پیچ و تاب چرخها و تنفیرو تحولات اجتماعی و علی‌الخصوص مبارزات انقلابی و آشکار چند سال اخیر، دوره بسیار سختی را پشت سر گذارده و در این پروسه، بیش از پیش تجربه آموخته و آبدیده گشته است. امروز سازمان ما، سازمان بویان، بیش از هر زمان دیگری

بر شکل طبقه کارگر و بویزه بر استقلال طبقاتی کارگران تاکید می‌ورزد، از همین رو کلیه عوامل و نیروهای رنگارنگ بورژواشی مقابل کینه توزانه و همه جانبه‌ای را علیه طبقه کارگر، علیه استقلال طبقاتی او و علیه سازمان ما به شتاب یگانه مدافع این استقلال طبقاتی، آغاز کرده اند.

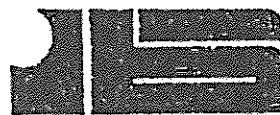
بی‌هراس از این حملات افسار و طبقات غیر پرولتری علیه سازمان و علیه استقلال طبقاتی طبقه کارگر، که سعی میشود حتی المقدور این طبقه را در انقیاد ایدئولوژیک خود قرار داده و به تبعیت از سیاستهای بورژواشی وادارند، و برای خدمت هر چه بیشتر به بورژوازی، در چشم کارگران خاک می‌پاشند، بگوئیم تا همچون بویان، این کمونیست پر شور در این مفا و در این برخوردها، بیگیر و استوار باشیم و پرچم استقلال طبقاتی پرولتاریا را برافراشته نگاه داریم.

چند خبر از جنگ . . .

برای فشار بیشتر بر زحمتکشان این منطقه به خمپاره باران و توپ باران خود نیز همچنان ادامه داده و خسارات مالت فراوانی به مردم زحمتکش این روستاها وارد آمده است. تاکنون اهالی روستا "چیت" علیا و سفلی از ترک روستای خود سرباز زده و مقامت کرده اند و اعلام نموده اند که حاضر به تخلیه روستای خود نمیباشند.

اورامانات

بر اثر توپ و خمپاره باران نیرو، عراقی در روز ۳۰ اردیبهشت ماه چند خانه مسکونی در شهر "نه و چند" و بمران کشت و ۳ تن از افراد زحمتکش قربانی سیاستهای جنگ ارتجاعی شدند.



ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بخوانید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بانه

یورش مزدوران رژیم به روستای "سیویج" که به قصد دستگیری و اعزام جوانان به جبهه های جنگ ارتجاعی صورت گرفت، با مقابله یکپارچه زحمتکشان روستا، خنثی گردید، روز ۲۵ اردیبهشت ماه ساعت ۹/۵ با مداد هنگامیکه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به این روستا نزدیک میشوند، روستائیان جز هجوم و خشایب آنان را به جوانان اطلاع میدهند و جوانان روستا که از توطئه آنان آگاهند همگی روستا را ترک میکنند. مزدوران مستقر در پایگاه سیویج با مشاهده وضعیت به سوی جوانان در حال گریز شرا اندازی میکنند که در نتیجه جوانان ۱۴ ساله ای زخمی میشود. روستائیان زحمتکش از این عمل وحشیانه بخشم آمده و متحد و یکپارچه به سوی پایگاه برآه می افتند و این پایگاه را با سنگ مورد حمله قرار میدهند، سرکوبگران از وحشت و هراس به تکان بر افتاده و به منظور جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات مجبور به عقب نشینی میشوند و از سر باز گیری منصرف میگردند.

همچنین در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیروهای رژیم شب هنگام روستای "هوار کدل" را به محاصره درمی آورند و بخانه گردی و تفتیش میپردازند، مردم زحمتکش روستا شروع به اعتراض نموده و با شعارهایی علیه رژیم اعلام می کنند، که "ما سر بازی نمیخواهیم" مزدوران اقدام به تیراندازی می نمایند و زور چندتن را دستگیر و همراه خود می برند.

در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه نیز روستای "بوشین سفلی" محاصره می گردد اما اعتراض گسترده روستائیان آنها را وادار به عقب نشینی می نماید. در همین روز به روستای "دوسنی" رفته و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و حتی والدین یکی از مشمولین را مورد تهدید قرار داده اما باز هم موفق نمیشوند، در نتیجه تمامی تلاشهای سرکوبگران ناکام می ماند.

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیروهای مزدور رژیم به روستای "شوی" رفته و آنرا

اخبار جنبش توده های



سرباز گیری اجباری

به یکی از روستاهای بخش "کهورک" سر دشت رفته و پس از محاصره روستا ۷ تن از جوانان را دستگیر و به هنگام اعزام آنان به شهر با مقابله زحمتکشان روستا و علی الخصوص زنان روبرو میگردند، در همین بخش اقدام به دستگیری ۱۰ جوان روستائی میکنند که باز هم با مقاومت شدید روستائیان روبرو میگردند، تعدادی از دستگیرشدگان موفق به فرار میشوند که تاکنون رژیم قادر به دستگیری مجدد آنها نشده است.

شیوه دیگر مارتا زحمتکشان در ارتقا با سرباز گیری اجباری، گریز از سربازی رژیم است. اخیرا تعدادی از مشمولین روستاهای "نستان و سینی پور" واقع در منطقه سردشت که به اجبار به مراکز آموزشی گنبدکاو و تهران برده شده بودند، توانسته اند فرار کنند و رژیم نیز از مهلت فرار و به گسترش مشمولین عاجز مانده است، آنچه که ما از اهمیت است، همکاری توده های زحمتکش و کمکهای بی دریغ آنان به این مشمولین فراری است و رژیم برای جلوگیری از سوچ این فرارها فشارهای خود را بر خانواده های مشمولین تشدید نموده است.

رژیم اخیرا برای بیخ نیرو در کردستان، دیت به حمله تازه ای زده است. روز اول اردیبهشت ماه در بخش سالان سردشت نیروهای سرکوبگر خود را به روستاهای "موزن شوی" - هورنه و زرده - کاشی "فرستاده و با تهدید از روستائیان خواسته است که چنانچه فرزندان خود را تحویل ندهند افراد مسلح را با دست گیری آنان اقدام خواهند کرد، از طرف دیگر مردم اطلاع داده چنانچه مشمولین خود مستقیما به مراکز نظامی مراجعه نمایند جبهه اعزام نمیگردند، اما روستائیان زحمتکش از این جبهه جدید رژیم نیز آگاهند و این توطئه را نیز خنثی خواهند نمود.

در فتادوم سیاست ارتجاعی سرباز گیری اجباری توده ها توسط رژیم، روز ۱۸ اردیبهشت ماه مزدوران جمهوری اسلامی

اخیرا چیست توده‌ای

محاصره میکنند، جوانان روستا که مشغول کار و تعمیر مسجد بودند با مشاهده مزدوران فرا کرده و خود را مخفی می‌نمایند، مزدوران با وقاحت تمام ریش‌بنفیدان و سالخورده‌گان را به گروگان می‌گیرند و خطابه‌گسائیکه در روستا باقی مانده بودند می‌گویند "مادام که مشمولین را به ما تحویل ندهید گروگانها را آزاد نمی‌کنیم". فردای آثروا عضای شورای روستای شوی در اعتراض به این حرکت وحشیانه به پایگاه نزدیک روستا رفته و خواستار آزادی گروگانها می‌شوند، مزدوران به آنها می‌گویند "شما حق باز سازی و تعمیر مسجد را ندارید باید به جبهه ها بروید و آنجا را تقویت کنید!!" لازم به یاد آورید که قبلا همین مزدور بمردم گفته بودند می‌توانند مسجد را تعمیر نمایند، اما اقدام اخیر آنها پرده از خدعه و شیرنگ آنان برداشت، زیرا که هدف مزدوران جز تجمع جوانان روستا و سپس دستگیری و اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی چیز دیگری نبود.

در روستای "گانی سور" (در مسیر جاده سردشت - بات) نیز مردم به اعتراض بر خاسته و مانع دستگیری مشمولین میشوند اما نیروهای رژیم پس از تیراندازی به سوی مردم ۳ نفر را دستگیر و روانه پادگان می‌نمایند. بسیاری دیگر از روستاهای این منطقه نیز بمنظور سر باز گیری جبارانه مورد هجوم وحشیانه رژیم قرار گرفته‌اند، در روستای "سورین" سه نفر از اهالیی زحمتکش دستگیری شوند که با اعتراض گسترده روستائیان روبرو می‌شوند اما مزدوران بازو آنها را با خود می‌برند. اهالی روستای "چی چوران" دست به اعتراض متحدانهای علییدستگیری به تن از زحمتکشان روستای خود زده‌اند.

تعداد زیادی از جوانان روستاهای "نجنی" - سدبار - بوبین نیز به اخطارها و تهدیدهای رژیم وقعی نگذاشته و فرار کرده‌اند.

تمامی این مقامنها و اعتراضات که بدون شک برداشته آن افزوده خواهد شد نشانگر این واقعیت است که سیاست

رژیم روبه زوال جمهوری اسلامی در سر باز گیری اجباری نیز همچون سایر سیاستهای ارتجاعی اش روبه شکست نهائی و مبارزات توده‌ها نیز آشکارا و سرکوبانه تنها فروکش نکرده بلکه روبه گسترش است.

سقر

جمهوری اسلامی برای سر باز گیری اجباری به هر شیوه‌ای متوسل می‌شود تا با برکردن جبهه‌ها از نیروهای بی‌زور بسیج شده‌اش سیاست جنگ ارتجاعی خود را ادامه دهد، طرح سر باز مملوم، یکی دیگر از ترندهای جدیدی است که رژیم برای کشاندن جوانان به سر باز یی و طریق آن ضمن فریب و تحمیق زحمتکشان از این جوانان برای مقاصد شوم خود استفاده کرده تا به اهداف ارتجاعی خود دست یابد.

در روز ۲۲ اردیبهشت ماه نیروهای رژیم به روستای "چاپان" در منطقه "تلیه کو" رفته و پس از محاصره روستا تعدادی از جوانان روستا را دستگیر و روانه سر باز خانه‌ها نموده‌اند، روستائیان زحمتکش برای گریز از جهنم جبهه‌ها و مقابله با این نیرنگ جدید به نقاط دیگر پناهنده شده و مخفی شده‌اند.

بوکان

رژیم به کلیه مشمولین منطقه بوکان اخطار کرده است تا روز ۲۸ خرداد ماه با بد خود را به مراکز و نهادهای ضد خلقی معرفی کنند تا آنان را به جبهه‌ها اعزام دارد، اخیرا فشارهای مزدوران رژیم، بر اهالی روستاهای این منطقه، جهت سر باز گیری و تسلیم اجباری شدت یافته است.

مهاباد

جاش نشودالهای منگور با همدستی با پاسداران جنایتکار رژیم به جوانان روستاهای منطقه مهاباد اخطار نموده‌اند، که با بد خود را به مراکز نظامی و پادگانها معرفی نمایند، در چندین روستا محاصره

تسلیم اجباری

توده‌ها

بانده

مزدوران جمهوری اسلامی در ادامه سیاست تسلیم اجباری خلق زحمتکش کرد، به روستاهای "شیلان" - ههنگه زاله - سه رندزیم - خوری شاوا و نه‌شور - دربختن - نه‌شور - و روستاهای "نارمه‌رده" - تاژان - کوخما مو - دربختن - پشت‌ناربا - یورش - برده - و از مشمولین خواسته‌اند که خود را به مراکز نظامی معرفی نمایند، تهدید و اراغاب مزدوران تا بدان حد رسیده‌است که گفته‌اند، چنانچه مشمولین خود را تحویل ندهند، پدرانشان را دستگیر خواهند کرد.

میریوان

اخیرا رژیم در منطقه سرشیو میریان اعضای انجمنهای اسلامی روستاها را در روستای چناره "گردآورده" و از آنها خواسته است که در تسلیم اجباری مردم علیه نیروهای پیشمرگ با آنان همکاری کنند، اما تعدادی از اعضای انجمن‌ها، اسلامی به این خواست اعتراض کرده و وزیر با رچنین مسئولیتی ترفته‌اند، تعداد کمی از این انجمنها اطلاعیه رژیم را به روستاها برده و از مردم درخواست کمک نموده‌اند، هرکسی پوشیده نیست که زحمتکشان خلق کرد نیز با رچنین ننگی نخواهند رفت و حمایت از فرزندان پیشمرگ خود را همچنان ادامه خواهند داد.

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

کتابه ترس و ترسویی هم

در مقام

جنبش انقلابی خلق کرد است

☆
اخبار جنبش زوده ای

سندج

دراواثل خرداد ماه سرکوبگران خلق کرد، روستاهای "مازی به نند" بوریه و نه ناره و زریه را بجا صره درآورده و به کمک اپادی خود در این روستاها با تهدید و رعب موفق شدند تعدادی از جوانان را میل نمایند، در روستای "بیاران" توطئه تسلیح اجباری رژیم ناکام مانده و علیرغم منع آمد و رفت شبانه روستائیان و جلوگیری آنان از رفتن به "هدوار" و قطع جنگل نتوانستند به قصد شوم خود جابه جمل بیوشانند و در واقع مردم زحمتکش این روستا از مسلح شدن سرباز زده اند.

سقز

مزدوران رژیم برای پیشبرد مقاصد ننگین خود چندی پیش به روستای "زامن شاو" یورش برده و ضمن داشکر کردن پایگاه از مردم می خواهند که مسلح شوند و در نگهبانی پایگاه آنها را یاری دهند، مردم بداین خواست تن نداده و توطئه رژیم موقتاً ناکام می ماند، اما در یک ماه گذشته مزدوران پایگاه به داخل روستا هجوم برده و مجدداً از مردم درخواست می کنند که باید برای رژیم اسلحه بردارید، مردم زحمتکش روستا اینبار بعنوان اعتراض روستای خود را ترک میگویند و به شهر سقز رفته و در جلو سپاه فدا خلقی تجمع می کنند اعتراض یکپارچه و متحد این زحمتکشان تا آنجا ادامه می یابد که ضمن اعزام چند نماینده به تهران اپادی رژیم را وادار می نمایند که از تسلیح آنان منصرف گردد.

سردشت

مزدوران جمهوری اسلامی چند وقت پیش روستای "شسته نه پزه" واقع در منطقه با زا سردشت را توسط بساران می کنند، بر اثر این عمل جنایتکارانه یک زن زحمتکش حامله و کودکی ۳ ساله جان خود را از دست میدهند.

در تاریخ بیستم اردیبهشت بهاء شیز چند جاش رژیم به روستای بناوی در منطقه آلان میروند و ضمن جاذدن خود بنام پیشمرگه به سرکوب روستائیان زحمتکش پرداخته و یک زن روستائی را مورد ضرب و شتم قرار میدهند، همین مزدوران فردای آژروزد و دست فروش اهل "ورمان" را که برای کسب معاش به این منطقه آمده بودند در نزدیکی روستا "دیناران" دستگیری نمایند و اموال واجناس آنان را به غارت می برند.

بر اثر توب باران روستای "شهرزده" واقع در منطقه آلان یک زحمتکش اهل مریوان که برای امرار معاش به این منطقه آمده بود جان خود را از دست میدهد، همین عمل جنایتکارانه در روستای "زیوه" موجب قربانی شدن یک کودک ۱۰ ساله و مجروح شدن دوزحمتکش میگردد، خسارات مالی سنگینی نیز به روستائیان وارد آمده است.

سیاست کوچ اجباری زحمتکشان خلق کرد که جدا از دیگر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی نبوده و امتزازه ای در سرکوب زحمتکشان کردستان نیست هم چنان ادامه دارد، در روزهای اخیر یکی از فرماندهان مزدور رژیم (معاون تیپ سردشت) به پایگاهی بنام طالش رفته و توسط ملای روستا "سيف سلفی" به مردم این روستا و روستاهای "زهره کانی" و "سردان" اعلام کرده است در اسرع وقت

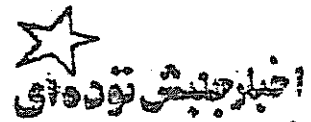
روستائیان را ترک گویند و به نقطه دیگری کوچ کنند، سرکوبگران خلق کرد به تهدید و رعب زحمتکشان پرداخته و از اخطار کرده اند در صورت عدم طاعت از

"فرامین" روستاها را با توب و خمپاره بر سر آنان خراب خواهند کرد، اما زحمتکشان این روستاها به اعتراض برخاسته و به روستای "نیزوی" رفته و به مزدوران اعلام داشته اند که هرگز روستاها را تخلیه نخواهند کرد.

عین همین عمل فدا نانی در مورد روستاهای منطقه "خله روه" و "بناری" سرکوب در منطقه با نه به اجراء آمده و زحمتکشان این منطقه نیز دست به اعتراض زده اند.

رباط

روز ۲۲ اردیبهشت ماه در ساعت ۵ بعد از ظهر روستای "سین بهر" بطور وحشیانه ای توسط مزدوران مستقر در پایگاههای اطراف روستا مورد خمپاره باران قرار میگیرد که یک نفر از اهالی بی دفاع مجروح میشود، روستائیان و خضر و زنان زحمتکش در اعتراض به این حرکت وحشیانه دست به راهپیمایی میزنند و با شعارهای مرگ بر پاسدار، مرگ بر جاش و مرگ بر جمهوری اسلامی مزدوران را با سنگ مورد حمله قرار میدهند، مزدوران در مقابل این ادویه یکپارچگی روستائیان به پایگاه خود خزیده و عکس العملی نشان نمیدهند، فردای آژروزد مجدداً مزدوران رژیم به داخل روستا هجوم میاورند و به اهالی اخطار میکنند که نباید به پیشمرگان کمک و مساعدت نمایند، اما تجربه چندین سال سرکوب توسط رژیم جمهوری اسلامی این واقعت را برای مزدوران آشکار



ساخته که هیچ تهدید و آریایی قادر به جلوگیری از حمایت توده‌های زحمتکش از پیشمرگان نمیباشد.

نقد

چندی پیش نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی پس از محاصره روستای "مده" به داخل روستا یورش میبردند و بدستگیری و ضرب و شتم زحمتکشان این روستا میبردند و زندانیان بدین وسیله تعدادی از جوانان را به زور راهی جبهه‌های جنگ ازجانبی نماد، اما روستا ثانی زحمتکش و بیوزنه زنان و دختران روستا بمقابله برمیخیزند و بدین نیروهای سرکوبگر حمله ور میشوند، مزدوران از اتحاد و یکپارچگی زنان روستا بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هواشی میکنند اما تلاشهای آنان ناکام میماند و ناگزیر جوانان دستگیر شده را رها کرده و با سرافکنندگی راهی پایگاههایشان میشوند.

بانه

در ادامه فشار و تنیفات رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً سپاه ضد خلقی شهرک "تارمدره" به شوراها و اسلامی روستاها اختار کرده است که طی ۱۰ روز آینده روستا ثانی باید منطقه و محل سکونت خود را تخلیه نمایند، همچنین روز یازدهم اردیبهشت، در روستای "تیره دی" فردی بنام حسن بابائی که قبلاً پیشمرگ بوده و به علت فقر و تنگدستی مجبور به ترک صفوف پیشمرگان شده بود توسط جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی در برابر چشمان پست زده زحمتکشان زن و فرزندانش تبریران شد، روز چهارم اردیبهشت ما نیز عین همین عمل وحشیانه در مورد فردی که وی شیربلا پیشمرگ بوده در

همچنان در بیلاقیها با قیام نده اند و خطاها و تهدیدهای بین مزدوران کمترین اعتنائی نکرده اند، در روستای "دوتک" نیز بر اثر شلیک چند جاش یک زحمتکش سورد هدف قرار گرفته و جان خود را از دست داده است.

در تاریخ ۱۸ خرداد ما نیز مزدوران رژیم به روستای "خزروائی" حمله کرده و خانه مسکونی یک فرد زحمتکش را به آتش کشیده اند.

جاش نشودالهای منطقه منگور برای گریز از اعزام به جبهه های جنگ توسط رژیم دست به اقدام رذیله و وحشیانه ای زده و داندان این منطقه را مورد تهاجم قرار داده، چادرهای آنان را به آتش کشیده اند، این حرکت دمدنشانده صرفاً به ای منظور صورت گرفته که را نبود کنند به اصطلاح با نیروهای پیشمرگ درگیر میشوند، برداشتن چادرهای دامداران منطقه گاشی صبر و پشت دلکش نیز در روز ۲۲ اردیبهشت ماه در همین رابطه است.

بوکان

روز ۲۲ اردیبهشت ماه مزدوران رژیم طی تهاجمی وحشیانه به محل زیست کارگران کوره پزخانه واقع در "چکه لوره" در محور جاده بوکان - میاندوآب جنایت دیگری آفریدند، این مزدوران ضمن حمله وحشیانه به کارگران و سرکوب آنان، دختر ۱۴ ساله ای را مورد تجاوز قرار میدهند، کارگران که از این عمل ضد انسانی بخشم میابند یک جاش را خلع سلاح میکنند، نیروهای سرکوبگر از وحشت و هراس رفته و انقلابی کارگران بوحشت میانفتند و کارگران را به رگبار می بندند، که سران آن ۲ کارگر به شهادت میرسند، لازم بناید آوری است که در تابستان سال ۶۵ شانزده کارگر در کوره پزخانه های "سره و قاسم" در همین منطقه توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی در اعتراض به سیاستهای سرکوب گرانه رژیم به شهادت رسیدند.

یک جاش خود فروخته به همراه یک پاسدار ضد خلقی در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه به منطقه "تاله شبن" رفتند و به عمل معمول به تهدید و آریایی زحمتکشان می بردند، این دو مزدور پس بقدر بودن

روستای "مالبون" انجام گرفت. در تاریخ ۸ اردیبهشت ماه یک پیشمرگ بنام رحیم احدی پور اهل روستای "نهموله" که برای دیدار با خانواده اش به روستای "جمن" چه پ رفته بوده به اسارت مزدوران در میا بدودرها نجا اعدام میگردد.

پیرانشهر

غارت و چپاول زحمتکشان که امر عادی برای رژیم است به شیوه های مختلف همچنان ادامه دارد، فرما شده مزدور بسیجی واقع در پایگاه "گرده سوور" با هرکس (حتی چوپانان فقیر) که برخورد میکند محتویات جیبهایشان را خالصی میکند.

— رژیم جمهوری اسلامی که با

گسترش دامنه جنگ در مناطق کردستان برای سرکوب زحمتکشان بهانه مناسبی یافته است زیر لوای جنگ ارتجاعی با عراق به اقدامات جنایتکارانه خود در کردستان همچنان ادامه میدهد، از اول خرداد ماه جاری به فشار علیه زحمتکشان خلق کرد افزوده در این رابطه به داندان منطقه پیرانشهر خسارات جانی و مالی فراوان رسانده است، توپ و خمپاره بزاران روستاها توسط طرفین همچنان ادامه دارد و همزمان با این اعمال وحشیانه جاش نشودالهای منگور - "تایقه" دشمن و تایفه "مده" با همکاری سپاه ضد خلقی از رفتن روستا ثانی به بیلاقی جلوگیری مینمایند، زمین های مصادره شده توسط زحمتکشان را با حمایت رژیم و تنگجیهای خود از زحمتکشان پس گرفته و به اینها نیز بسته شکسته و خانه های آنان را نیز به تصرف خود در آورده اند.

روز یازدهم خرداد ما نیز جاش نشودالهای روستای "کاشوره دی" با همکاری حمایت پاسداران سرمایه به روستای "گروی" - قلاته روه - که سگس - نه منجه و بادیناوی "پورش برده" و به زحمتکشان گفتند اند که از بیلاقی ها به روستاها برگردند و چنانچه تا ۲۳ ساعت دیگر مناطق بیلاقی را ترک نکنند آنها را بمباران خواهند کرد، این مهلت سه روز دیگر تمدید شد ولی زحمتکشان منطقه

☆ اخبار جنبش نودهای

یک دختر زحمتکش وارد خانه او شده اما پساً متاًومت دختر و بر و میگردند، مزدوران او را به همراه خود میبرند، با تریادهای استعداد طلبانه او، بدرونی به همراه یک زحمتکش دیگر به تعقیب این دو جنايتكار می پردازند، اما در حین تلاش برای رها ساختن دختر با رگبار مزدوران روبهرو میشوند و جان خود را از دست میدهند. ا اهالی زحمتکش روستای "برایم شاول" که از این عمل ددمنشانه بهشم آمده بودند همدا با زحمتکشان روستای "قلا" به اعتراض بر میخیزند و موفق به نجات دختر از دست دو مزدور میگرددند، هنگامیکه زحمتکشان بمنظور اعتراض به این عمل جنايتكارانه به سپاه پاسداران رژیم میاندوآب میروند، نه تنها به آنها توجهی نمیکند بلکه در کمال وقاحت بزحمتکشان میگویند، آن دوتن قتلخ سلاح "مزدوران" را داشته اند.

سفر

یکسال قبل اهالی روستاهای سیف و بورده به "توسط رژیم کوچ داده می شوند و خانه هایشان منهدم میگردد، مردم زحمتکش این دور و ستا برای بازگشتن به روستاهای خود به مبارزه ادامه داده و از رژیم درخواست پرداخت خسارات ناشی از تخریب روستاها را می نمایند، اما به انحاء مختلف از پرداخت خسارات به زحمتکشان سرباز زده شده و به آنها گفته اند "فقط یک چادر به هر خانواده خواهد داد (تا زنده انهم به شرطی که هرگاه به چادرها آسیب رسد فراموش آنرا خواهند گرفت)!! مشروط به اینکه در محلهای قبل اسکان ننمایند، اینکه رژیم با چنین شروط و شروطهای کذابی و ریاکارانه سعی در ظفره رفتن از پرداخت خسارات وارده را نموده است حیل و شیرنگی بیش نیست و عملاً در مقابل زحمتکشان عقب نشینی نموده و چنانچه زحمتکشان این دور و ستا در تحقق خواستههای خود مبرانشند بدون

شک نه تنها موفق به اخذ خسارات وارده میشوند بلکه در محلهای سابق خود به شوازی خواهند پرداخت.

روز چهاردهم خرداد ماه روستا "میشی شاول" و دهستان "مورد هجوم" چندی هلی کوپتر رژیم جمهوری اسلامی قمران گرفته و با راکت و مسلسل سنگین کالبر ۷۵ داخل روستا و ارتفاعات مشرف بر آن به آتش کشیده، میشود، در اثر این اقدام و حثیان خساراتی به دو خانه وارد آمده است.

زحمتکشان روستای "شاری تل" در اوائل خرداد ماه جاری دست به یک اقدام انقلابی زده و زمینهای مالکین را مصادره و دسته جمعی آنرا را اختیار خود میکنند، مالکین روستا در مقابل این حرکت انقلابی به نیروهای سرکوبگر رژیم پناهنده شده و استدعا میکنند، آنها به پاسگاه ژاندارمری زبینه رفته و روز ۱۲ خرداد ماه رئیس پاسگاه "زبینه" و تعدادی از مزدوران به حسابیت از مالکین به روستای شاری تل حمله و زن میشوند و زحمتکشان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند، زحمتکشان روستا متحداً به اعتراض دست می زنند و رئیس پاسگاه و مزدوران همراهش را مجبور به ترک روستا می نمایند، روز بعد نیروهای مزدور به قتللانی و ایجاد ضرب و هراس با پنج خودرو مجدداً به روستا هجوم آورده و تعداد از مردان زحمتکش را دستگیر می کنند و به همراه خود می برند اما از آنجا که از خشم زحمتکشان و هرگونه عکس العمل انقلابی آنان هراس داشتند آنها را آزاد می نمایند و بدینوسیله مجزورماندگی رژیم در مقابل مبارزه متحد و یکپارچه توده های زحمتکش بار دیگر به ثبوت می رسد. زحمتکشان روستای شاری تل با مصادره انقلابی زمینهای این مالکین عزم و اراده خود را در احقاق حقوق خود به نمایش گذاشته اند و با این حرکت انقلابی روزها پس از قیام را که خود شخما ابتکار عمل را در دست گرفتند و با پشتیبانی پیشمرگان سازمان در آن منطقه داکاهای انقلابی را برای فشو دالها بر پا داشتند در اذعان تدائی نمودند.

مزدوران مدخلی جمهوری اسلامی که از پیش گذشته بارها اهالی روستای "زامن شاول" را تهدید نموده اند که باید مسلح شوند و هر بار با نا کامی روبه روه اند مجدداً به ارباب این زحمتکشان پرداخته و زحمتکشان به حالت اعتراض خانه و کاشانه

خود را ترک کرده اند.

افشار

برای پنجمین بار شب ۲۹ فروردین ماه خانه یکی از پیشمرگان خلق کرد که بشهادت رسیده است به آتش کشیده میشود و طی این اقدام جنايتكارانه ۴۰ راس از اخنام و تمامی دارائی خانواده فرد مذکور طعمه حریق می شود.

دیواندازه

در پی جنایات بهشمار رژیم در کردستان، واسط اردیبهشت ماه گذشته، بر اثر انفجار مین که توسط مزدوران رژیم در روستای "تهینال" کار گذاشته شده بود و جوانان جان خود را از دست دادند و یک کودک خردسال نیز زخمی گردید. همچنین روز ۶ خرداد ماه نیز اشر انفجار مین دیگری که توسط مزدوران کار گذاشته بود در روستای "برایم شاول" نوجوان ۲ ساله ای قربانی عمل جنایت کارانه سرکوبگران میشود، لازم به یادآوری است که چندی قبل یک جوان طی برخورد با مین مزدوران زخمی می گردد و کودک که به هنگام بازی یک مین دشمن را پیدا می کنند به علت عدم آگاهی و بازی با آن هردویشان جان خود را از دست میدهند.

زحمتکشان روستای "عمزیز شاول" واقع در بخش "هوه توو" پس از اعتراض یکپارچه موفق میشوند مزدوران مستقر در این روستا را وادار به برچیدن پایگاه نمایند.

از اوائل خرداد ماه جاری رژیم جنايتكار جمهوری اسلامی روستاهای "ته زنه و تهر"، "شولی"، "عمزیز شاول" در بخش "هوه توو" و "چولار" و کیله که وو" و تیک در بخش "قه مری" را به اشغال در آورده تا همراه با شرکت در پیایگاه و مقتر، با فشار و تهدید و ارباب تعدادی از این روستاها را به تنگبانی از این مقرها را پایگاهها بگمارد و سیاستهای ارتجاعی خود را به پیش برد، از آنجا که توده های زحمتکش خلق کرد طی بیش از ۷ سال - کمیت سنگین جمهوری اسلامی هرگز در



اخبار جنبش توده‌ای

مقابل اینگونه توطئه‌ها و ریاکاریها تسلیم نشده اند با آگاهی از شرایط شوم و ماهیت این رژیم تبهکار به گونه‌های مختلف مبارزه خود ادامه می‌دهند. در همین رابطه تاکنون زحمتکشان روستای "مهریز" و "موفق" شده اند با مبارزه پیگیر و یکپارچه خود مزدوران رژیم را از روستای خود بیرون رانند. دیگر زحمتکشان روستاهای مذکور نیز بی گمان با اتحاد و مبارزه همیشگی این توطئه رژیم را نیز خنثی خواهند کرد.

استندج

روزهای ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت ماه سرکوبگران جمهوری اسلامی به روستای "عبدالصمدی" در بخش سارال هجوم برده و ۲ روستائی اهل روستاهای دیگر را دستگیری کردند. مردم روستا علیه این حرکات وحشیانه دست به اعتراض می‌زنند که مزدوران ناچار به آزاد کردن آنان میشوند. پس از متفرق شدن روستائیان مجدداً نیروهای مزدور رژیم دوشن دیگر را دستگیری نمایند با بازم با اعتراض یکپارچه زحمتکشان روستا مواجه میشوند. مزدوران ناچار این دوشن را نیز آزاد می‌کنند.

— رژیم جمهوری اسلامی که از هیچ گونه تلاشی در مرعوب ساختن توده‌ها فرو گذاری نمی‌کند دست به رجحانیتی در جهت نیل به اهداف پلید خود می‌زند. در این رابطه روز ۷ اردیبهشت ماه در روستای "سوفی بله" در اثرانفجار ربهی که توسط مزدوران پایگاه مستقر در روستا در مسیر تردد زحمتکشان کار گذاشته شده بود یک جویان مجروح گردید.

— از اول خرداد ماه روستای "سرهو" به توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به محاصره درمی آید و سرور بطول می‌انجامد. هدف مزدوران فقط محاصره روستا نبوده و در ادامه همان سیاستهای ارتجاعی و وحشیانه‌ای است که مدت ۷ سال تمام

به زحمتکشان خلق کرد تحمیل نموده است. پس از محاصره روستا، نیروهای رژیم مردم این روستا را از رفتن به باغات و چرای گوسفندان بازداشتند تا بدینوسیله زهرچشمی از آنها بگیرد و آنها را وادار نماید که برای رژیم اسلحه بردارند و از منافع غارتگران و سرکوبگران به دفاع کنند. زحمتکشان این روستا با مقاومت همه جانبه خود از این خواست رژیم سر باز زده و زیر بار چنین خفتی نرفته‌اند.

غارت و چپاول توده‌های ستمدیده کردستان، نمونه دیگری اوفشاروستایی است که زحمتکشان خلق کرد نیز همواره توسط مزدوران رژیم در معرض آن قرار داشته‌اند. در این رابطه، آبادی رژیم به روستاهای "دانی کشتی" — "تسن بهر" — "خانه کا" — "لنگه ریز" — "زوبنج" و "دراله" رفته و به بهانه تشکیل صندوق تعاونی از هر خانواده مبلغ ۵۰ تومان گرفته‌اند. در تمامی منطقه "ژاوه رود" نیز به کلیه زحمتکشان ابلاغ گردیده که هر خانواده باید ۱۰۰ تومان به عنوان کمک به جبهه‌های پیردازد.

اورامانات

بر اثر توطئه باران روستای "ریژنا" و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه یک تن مجروح و در روز ۲۸ اردیبهشت ماه در منطقه نوسرد یک دانش آموز جان خود را از دست داد و دانش آموز دیگری نیز به شدت مجروح شده است.

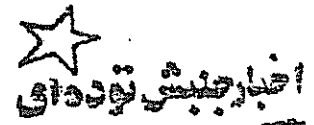
مهاباد

رژیم غرق در بحران و ورشوکت است جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت طبقاتی و سیاستهای جنگ افروزان و فساد و سیه روزی، کشتار و ویرانی، جهل و فساد و غارت و چپاول ارمغان دیگری نداشته، برای گرم نگه داشتن تنور جنگ ارتجاعی و تا مین کمبودهای هزینه سرآم آور جنگ به اخاذی و غارت توده‌های زحمتکش هم — چنان ادامه می‌دهد تا چند ساحتی دیگر

بر عمر تکلیت بار خود بیافزاید. بتاراج بزدن دسترنج توده‌های زحمتکش منطقه مهاباد نیز همچون زحمتکشان دیگر مناطق کردستان در همین راستا قرار دارد. در ادامه این سیاستهای ارتجاعی، رژیم روز ۱۲ خرداد ماه جاشا و پاسداران میانداوب را به منطقه "محل" واقع در جنوب مهاباد گسیل داشته و به خانه یکی از روستائیان در "سندله‌چم" رفته و مبلغ سیمده هزار ریال از وی اخاذی میکند. در همین تاریخ به خانه فرد دیگری رفته و مقدار دیرین پول و زیورات را به غارت می‌برند. شب هجدهم اردیبهشت ماه نیز به روستای "تویپه" که ترک زبان هستند حمله برده و مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال از فردی بنام صوفی اخاذی میکنند. مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال نیز از فردی بنام جواد گرفته و در همان شب به یک کارگاه جوجه کشی رفته و با چل عنوان پیشمرگ مبلغ ۷۰ هزار تومان مطالبه مینمایند. کارگران و نگهبانان این کارگاه که از حمله آنان آگاه میشوند به آنها می‌گویند چنین مبلغی در اختیار رندارند و چنانچه فردا شب مراجعه نمایند این مبلغ را با آن خواهند داد. شب بعد کارگران و نگهبانان با آماجگی کامل منتظر مزدوران میشوند و به محض مراجعه این غارتگران به آنان حمله برده و یک پاسدار را طاعانی اهل میانداوب و جاش خود فروخته‌ای بنام محمدرحمان اهل "تنگه ده‌رچه" را به شدت مجروح می‌زنند. مزدوران که از تاجیم زحمتکشان غافلگیر میشوند کارگران و نگهبانان را به رگبار می‌بندند و فردی به نام "خدمت" را که نگهبان جوجه‌کشی بوده از پای در می‌آورند و از منطقه می‌گریزند.

ارومیه

در اواخر اردیبهشت ماه گذشته نیروهای مزدور جمهوری اسلامی به روستای "که نه‌سی" اوتوا به بخش "برادوس" هجوم برده و ضمن فشار بر روستائیان زحمتکش یک نفر اهل روستای "کنید" را که به روستای مذکور رفته بود دستگیر و بطرز فجعی اعدام مینمایند. مردم روستا متحد علیه سرکوبگران دست به اعتراض می‌زنند و نیروهای جنایتکار رژیم با تیر اندازی هوایی آنان را متفرق می‌زنند.



چند خبر از شهرهای کردستان

سنگرز

در پی فشارهای گوناگون رژیم به توده‌های مردم کردستان، اخیراً کامیونداران شهرسنگرز در اعتراض به کمیل اجباری به جبهه‌های جنگ ارتش ایران و عراق، دست به اعتصاب زده‌اند رژیم که میکوشد به هر حیل و برای تامین هزینه‌های سرآم و آذوقه جنگ، دسترنج توده‌ها را غارت کند پس از اعتصاب کامیونداران اعلام کرده است، چنانچه کامیونداران هریک مبلغ ۱۵۰۰۰۰ یکمده و پنجاه هزار تومان به دولت بپردازند از اعزام آنها خودداری خواهد کرد، در همین رابطه برخی کامیونداران مجبور شده‌اند که کامیونهای خود را بفروشند.

— روز "عید فطر" نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در داخل شهرسنگرز خانه‌ها را مردم حمله ور شده ۲۰۰ تن از جوانان شهر را دستگیر و پادگانهای نظامی اعزام داشتند.

مریوان

رژیم ترور و خفگان جمهوری اسلامی روز ۲۲ اردیبهشت ماه یکی از اهالی روستای شارانی را توسط مزدورانش در یکی از خیابانهای شهر بکبار بسته و بنیاد می‌سازند، نامبرده روز ۱۹ تیر ۶۵ اردیبهشت ماه توسط مزدوران رژیم دستگیر گشت بود و بعد از سه روز در زندان اطلاعات سپاه تحت شکنجه وحشیانه قرار داشت، جنازه وی توسط خانواده‌اش

در حوالی شهر پیدا می‌شود و مزدورانش کمال رفاقت از این عمل جنایتکارانه اظهار بی اطلاعی نموده‌اند.

پاوه

سیاست سربازگیری اجباری رژیم در پاوه نیز همچون سایر نقاط کردستان توسط مزدورانش با ضرب و شتم خانواده‌ها، مشمولین و خانه‌گردیهای مستترادامه دارد، اخیراً نیروهای سرکوبگر ضمن محاصره خانه‌های مردم شهر پاوه و روستاهای اطراف آن اقدام به کنترل و بازدید نموده و چنانچه موفق به دستگیری و بازدید نموده و چنانچه موفق به دستگیری مشمولین نگردند، خانواده‌ها را آنرا را به گروگان میگیرند. رژیم تا کنون با این شیوه رذیلانه توانسته است تعدادی از جوانان را راهی مراکز نظامی و پادگانها نماید. اما قرار مشمولین همچنان ادامه دارد.

چند خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

پیرانشهر

حواشیماهای بمب افکن عراق روز ۲۲ اردیبهشت ماه مناطق "قهنات" — ناوخورده، چپانه و بیل بادینای" در حوالی پیرانشهر را بمباران کردند که در نتیجه تلفات سنگینی به مردم وارد آمد و در روستای "ناوخورده" دوزخمتکش جان خود را از دست دادند. در ادامه این ارتجاعی روستاهای "سهرگردد، زیسوه — کونه‌لا جان — بدرگه‌مران — شین‌شای — هیم‌شای — سدی کام — کونه‌خان و گهس گهس بمباران شد، در روستای کونه‌خان

چند زخمکش، از یک خانواده مجروح گردیدند و در روستای "هیم"، "ناو و نیز" چهار تن مجروح شدند. بر اثر این بمبارانها روستاهای "قزقه بیان — قه‌مت‌ره، ویران شد و روستایان زخمکش آواره شدند.

همچنین نقاط مسکونی پیرانشهر و حوالی آن از جمله اداره آموزش و پرورش، مدرسه منظر و بازار قدیم مورد هدف قرار گرفت و بسیاری از خانه‌ها منهدم و آسیب دید و خسارات مالی فراوان به مردم شهر و حومه وارد آمد، نگ‌خانه بگل‌سی ویران و تعدادی ساکنین آن جان خود را از دست دادند.

— روز ۱۱ خرداد ماه نیز تعدادی از هواپیماهای بمب افکن عراق "دول‌کر" ناویشت روستای "هیم‌شای" تا پادگان و "پل" سهرکا را "روستای" سهرگردد و کوهستان و کاجی جو" را مورد هدف قرار داد که تلفات و خساراتی به مردم زخمکش این مناطق وارد آمد. بر اثر این اقدام وحشیانه زخمکش اهل روستای کونه‌خان مجروح شده‌اند.

زخمکشان روستاهای "بسلوان، بن‌ری و گل‌کهن" به علت بی‌اینهاست متوالی از سوی نیروهای عراقی بمباران به‌شدت خانه و کاشانه خود شده و به خیل عظیم آوارگان جنگی پیوستند.

سردشت

جنگ ارتجاعی ایران و عراق که در تمامی مرزها جز فقر، آوارگی، گمراهی و بیکاری شمره‌ای برای زخمکشان نداشته همچنان موجب آوارگی و دردمندی زخمکشان دو کشور است، در همین رابطه بر اثر توپ و خمپاره‌باران روستاهای منطقه "نالان" سردشت از سوی طرفین جنگ اهالی روستاهای "خوار، میر، سه‌رن‌شای — سه‌بستان — گهرم‌شای (سغلی و علیا) به روستاهای، شر کوچ کرده، و آواره شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی در اجرای سیاستهای سرکوبگرانه خود اخبار به روستاهای "چیت‌علیا و سغلی — به‌ردان" و "ره‌ده‌گانی" اخطار کرده است که روستاهای خود را تخلیه کنند و در سده

پویان

شکونده انفعال . . .



فدائی شهید رفیق افشار پویان

خود توانسته بود فرهنگ سیاسی آن روز جامعه را تحت تاثیر قرار دهد . پویان در این زمینه ابداع گرانچنان شود ادبیات سیاسی رزمنده ای است که هیچک از کسانی را که در نشریات روشنفکری آلمان فلم میزدند، و یا در محافل مطالعاتی و در کنج خانه ها سردر میان کتابها فرو برده بودند، یا رای ایستادگی در مقابل آن نبود، او با بکارگیری این سلاح و با تازیه نقد تیز و گرنده خود، به مقابله با فرهنگ ارتجاعی پرداخت، و محافل تنگ و کفک گرفته روشنگران و اخورده را که به اشاعه یاس و انفعال مشغول بودند، با قدرت بی نظیری درهم کوفت . درک انقلابی و بالائی پویان از مسائل که در نوشته های محدود اما کم نظیر او انعکاس یافته است، مبنای سبزندگی ادبیات سیاسی او، قاطعیت بیرونی، بی رحمی و توانا نشانی در افشاء و مقابله با افکار و طبقات غیر پرولتری است .

پویان در مقابله با تفکرات ارتجاعی و ناپسندگانی سیاسی خورده - سروزوای و ارجله یکی از سردمداران آنها، جلال آل احمد، که در آن مقطع از شرایط دیکتاتوری و خفان به خشم آمده، را آراشی پرخاشگرانه و

عمیانگر به توهم پراکنی حول و حوش خود مشغول بود، سهم بسزا وارزنده ای داشت و با توانمندی هر چه بیشتر، چنین تفکراتی را از بزم و مطرود ساخت . او که در دوران زندگی و فعالیت مبارزاتی خود، با کسب آموزشهای لازم تجاربی بسیار غنی اندوخته بود، با مسلح شدن به تئوری مارکسیسم - لنینیسم توانست به بررسی مسائل عینی جامعه پرداخته و رژیم سرمایه داری را به عنوان مسبب اصلی تمام مآلها و مآلها، عمیقاً درک کند و با خلایق تحسین برانگیزی در مقام یک انقلابی کبیر، به جمع بندی و تمهیدات جامعه و مشکلات آنروز بپردازد .

رفیق پویان با تیزبینی، تاثیرات زیانبار ناشی از سرکوبهای خشن رژیم شاهنشاهی که بر روحیات توده ها سنگینی میکرد و از این طریق تاثیرات تنبسی خود را بر تضعیف روحیات تفرعی توده ها باقی گذاشته بود، دریافت، او همچنین شناخت خود را از گروهها و سازمانهای سیاسی که در آن زمان حضور داشتند، تدقیق نمود، گروههایی که از ترس پلیس شاه و برای حفظ بقا، خود را عاجز از هرگونه سازماندهی توده ای و یا حتی گسترش تشکیلات خود بودند و لاجرم بعد از سپری شدن مدت زمانی کوتاه در بی تحرکی و سکون، اگر طعمه پلیس و ساواک نمیشدند، خود از درون گندیده و متلاشی می گشتند، با شناخت از چنین شرایطی است که رفیق پویان، کتاب ارزشمند خود "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" را تدوین میکند، و بر نقش و وظیفه پیشاهنگ، در بهم زدن این ماده، تاکید میورزد . پویان همه تلاش خود را در جهت از میان بردن روحیه یاس و افسوس و روحیه مبارزاتی که بر اثر مجموعه شرایط اقتصادی اجتماعی و تاریخی آنروز و از جمله - به ویژه - خیانتها و اشتباهات پیشاهنگان و رهبران، و بی کفایتی آنان در امر رهبری مبارزات توده ها حاصل گشته بود، بکار گرفت .

ایمان سرشار پویان به توده ها، فداکاری و از خود گذشتگی کمونیستی، تلاش در جهت به مرحله عمل در آوردن - مارکسیسم - لنینیسم در مرصه زندگی واقعی، از مشخصه های این رفیق است، او که در امر رهائی کارگران و زحمتکشان از یوغ بردگی مزدوری یکدم از پای

نمی نشست، به انتقادهای سیاسی - ادبی خود اکتفا نکرد و با شرکت فعال در مبارزه مسلحانه آنروز، جامعه سرمایه داری، کلیه مظاهر استغری ناشی از این نظام را زیر سؤال برد، پویان در ادامه فعالیتهای آگاهانه خود، "نقد اسلحه" را بجای "نقد" نهاد، و نشان داد که یک مارکسیست - لنینیست واقعی است و مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای عمل انقلابی خود میداند، او با برخوردی دیالکتیکی و آگاهانه، و با عمل انقلابی خود، تحرک نوین و هدفمندی را بنیان گذاشت و بقاء رزمنده را جانشین بقا، متغیر نمود .

هرچند که رفیق پویان در این جمع بندی و در ارزیابی مطلق توانائی دشمن و مطلق ضعف توده ها در آن مقطع دچار افراط میشود، اما او با خلایق هر چه شماثر در راه اهداف عالی سازمان و در راه جلب اعتماد توده ها به پیشروان قدمهای بسیار شمریخی بر میدارد . پویان همچنین در مورد یکی از مسائل حاد آنروز جنبش، یعنی رابطه توده و پیشرو، محافل مارکسیستی و طبقه کارگر، که نیروهای انقلابی سردرگم، اما در پی تحقق آن بودند، در همان جمع بندی، ضمن تاکید بر اهمیت ایجاد سازمان سیاسی طبقه کارگر - که آنرا جانشین انفعال و بی برنامه گی کلیه محافل ریز و درشت آنروز ساخت - پشت محکمی بر دهان کلیه اپورتونیستها، پرورسورهای درازگو و محافل بی عمل، که میخواستند و انموده سازند پویان و امثال او "اعتقادی به طبقه کارگر ندارند"، نواخت، و چنین نوشت: "برای آنکه باید ابرمانیم، رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را بوجود آوریم، باید طلسم ضعف خود را بشکنیم، باید با توده های خویش ارتباط مستقیم و استوار بوجود آوریم" (ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا) - تاکید از ما است (و بدین شکل عمق انتقاد را سخ خود را به طبقه کارگر به نمایش گذاشت و در جهت ایجاد سازمان سیاسی این طبقه، جان خود را نیز فدا کرد، خیر ما به اصلی تفکر رفیق پویان، در اساس بر سازماندهی طبقه کارگر مبتنی بود، از همین رو پویان، آغازگر راهی در مذهب

و برانداختن سلطه آن صورت نگیرد. هنگامیکه منابع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و امپریالیزم — حیات فارت گرانیه خود ادامه میدهند، هنگامیکه زمینداران، املاک بزرگ اراضی و منابع طبیعی را در اختیار خود دارند، هیچکدام از حقوق اقتصادی زحمتکشان تامین نخواهد گشت.

بنابراین روشن است که منافع مدافعین اهداف مذکور در مقابلت کامل با تحولات انقلابی دمکراتیک و ضد — امپریالیستی بمعنای واقعی که هدف فوری انقلاب است قرار دارد.

مدافعین اهداف این "جبهه" اگر چه حتی در اشکال تعدیل یافته اما به این شیوه خواهان فقط نظم ارتجاعی بوروکراتیک حاکم بر ایرانند و با اهداف واقعی انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی ایران خصومت میورزند. این اهداف طرح شده تنها میتواند پایه وحدت طبقه از نیروهای بورژوا و فرمست قرار گیرد، نیروهای که منافع آنها در تقابل با منافع کارگران و زحمتکشان بوده و جعلی اعم تلاش خود را برای تامین سرکردگی بورژوازی بر انقلاب قرار داده اند.

طریق ثوراه است. وعده "آزادی" این بند نیز هیچگونه تضمینی ندارد چرا که بدون جدائی دستگاه دولت از مذهب در هر رژیم سیاسی نخستین آزادیهای فردی و اجتماعی نقض خواهد گشت.

فرضیه سوم "رفع غنم ملی و تامین حقوق ملی خلقهای متهمیده، کشور" وعده داده شده است. روشن است ما دام که نظام سرمایه داری ریشه کن نشده و دمکراسی پیگیر متحقق نگشته است و در سیستمی که هیچگونه تضمینی برای برقراری دمکراسی واقعی وجود ندارد و عامل اصلی استثمار ملی یا برجاست "رفع غنم ملی و" یک شعار میان تهی بیش نیست.

بند چهارم، تامین حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان شهر و روستا وعده گردیده است. اما هنگامیکه هیچگونه مبارزه عملی علیه امپریالیسم



حزب دمکرات و ه ه

جمهوری اسلامی بطور خاص روشن گردیده است. دوما، اگرچه حزب دمکرات ما صدا از تصریح نیروها و با افشار و طبقاتی که در این "جمهوری مستقل" قدرت سیاسی را بدست میگیرند، خودداری ورزیده است، اما توجه به برنامه و اهداف "جبهه" حزب و نیروهای که با آن فراخوانده میشوند و در درون آن جای میگیرند، خود روشنگر ماهیت بورژوازی این طبقات و طبایع "جمهوری مستقل" مورد نظر حزب میباشد.

در بند دوم تامین دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک در سراسر کشور وعده شده است، اما روشن و مشخص است که این دمکراسی کلی و دروغین است، این دمکراسی مطلوب بورژوازی است چرا که شرط نخستین بگانه تضمین برقراری دمکراسی واقعی اعتقاد به انحلال تمام ماشین نظامی بوروکراتیک دولتی موجود و تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت مستقیم بوده و از

غانیم بدست آمده

۷۳	جنگ افزار انفرادی
۱۱۴	انواع نارنجک
۶	بی سیم
۱۳۴۲۰	انواع فشنگ
۱۳۲	خشاب
۷	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۵۶	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۲۱	پیوستن فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

تلفات دشمن

۳۰۱	کشته و زخمی
۱۲	اسرای دشمن
۲۰	خودروی منهدم یا صاف شده
—	ملاحهای منهدم شده
—	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلی خلق کرد

۲۷ اردیبهشت تا ۲۷ خرداد

عملیات پیشمرگه

۱۹	کسین و کنترل جاده
۶۸۱	مین گذاری
۲۷۱	مقابلیه در مقابل بورش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۲	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۲	حمله به پایگاهها
۲۲	جمع

۱۶	شندای پیشمرگه
۶	اهالی به دفاع

سهرگه و توبی پروتته و هی شورنشگیرانده ی گه لی کورد

پیویان
شکننده افعال
وزمنده راه رهائی طبقه کارگر

صبحگاه سوم خردادماه ۱۳۵۱
محلۀ نیروی هوایی، تهران، شاهسرد
شردی خونین، و قهرمانانۀ مسعود
روشنه‌های نکور، قهرمانی بی‌بیای
از تبار فدائی، اسیر پرویز پدیده‌ان
یکی از بینندگان، از توانای سازمان
خون گرم خود را در رویای بی‌با
مزدوران سرمایید، و در راه آزادی‌ان
والای طبقه کارگر شاکرد و از این
طریق، گام دیگری در تثبیت حاکمیت
راه سرخ فدائی، راه انقلاب برداشت
و خود، پشوانه معتبر دیگری بر
این حقانیت تاریخی، پیویان براختی
خوانست در عرصه تئوری و برائیت
گامهای بزرگی در خلق ارزشها و مفاهیم
نوین بردارد، که در ادامه راه، در بطن
جنبش کمونیستی جا افتاد و تثبیت شد،
رفیق پیویان، پیش از آنکه حتی
بمشوان یک انقلابی حرفه‌ای در سازمان
به فعالیت انقلابی ببرد، به عنوان
مبارزی فعال و چهره‌ای سرشار از
زمینه‌های ادبیات و شعر و سیاست
از کیفیت و توانایی بالایی برخیزد و از
است، در میان انقلابیون شامند شده
بود، او، بعنوان یک انقلابی نظرش
خلق و متفکر، با آثار و نوشته‌های
در صفحه ۱۴

بیاد فدائی خلق رفیق
سید سلطان پور



با تو بزم میزیم ، تا همه باغ خون شوم
 لاله را زگون غمی ، لاله را زگون شوم
 ای گل سرخ سارمان
 چشمه و آبشار من
 لاله ورودبار من ، دره و کوهسار من
 غلغل ارغوان توئی
 آتش زلفه خوان توئی
 بلبل آبیان خون
 در شب خونچکان توئی

اخباری از جنبش توده‌ای

در صفحه ۱۷

مهرماه
روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

روزنامه
شماره ۱۰۰۰

گرافیکی بنک ۲۴ خرداد

پسے و ہفتمین سالروز اعتصاب

تعداد خانه سازگران مورد پذیرخانه های

تہران

خلق کرد پیروز است
جدول يك ماهه
عليات پشمرگان
خلق کرد

در صفحه ۲۹

۳. خرد داد و بشقاب در استپاله!

و روند نکامی انقلاب را هموار کند،
پادراستای منافع طبقاتی تشرورتهای
معین و دست یازیدن آنان به امپال
و خواسته های گروهیشان بیانجامد و سد
راد انقلاب گردد، بیانگر صف بندیهای
طبقاتی از روشی ربا بگیری حریانات
در صفحه ۹

آنچه که در تاریخ نیا رزات شده‌ها
همواره بنام نقاط عطف از آن ذکر
میرود، بدون تک‌یادآور نکست یسا
پسروزی، غلیان و یا خروش عیان توده‌ها
در درانهای انقلابی است.

اینکه چنین نقاط عطفی تا چه حد
تبدیل‌شده‌ای می‌باشد، درجاً سه‌بار

رادیو
صدای فدائیس

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

٤ صبح و ١٢/٥ روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق